

از مبارزات زنان و مردم افغانستان علیه طالبان حمایت کنید!

صفحه ۳



حقوق بشر و جایگاه حقوق شهروندی از دید مارکس - کاظم نیکخواه صفحه ۲

بیانیه ۲۳ کشور در محکومیت "توطئه های مرگبار" جمهوری اسلامی - مهران محبی صفحه ۶

لغو کار کودک؛ مسئولیتی فراتر از کودکان - بهروز بهاری صفحه ۷

اولتیماتوم کارگران فولاد اهواز به تجمع در مقابل استانداری، تداوم سه شبانه های نه به اعدام
صفحه ۸

شرکت هیئتی از حزب کمونیست کارگری در آکسیون اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در ژنو
سخنرانی عظیم مطور در برابر کنفرانس آی ال او صفحه ۹

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در چندین شهر و اخباری دیگر صفحه ۱۰

مدیای اجتماعی

ایران، مبارزه و اوضاع سیاسی: سخنرانی شهلا دانشفر در کنفرانس آنلاین به مناسبت رز جهانی
مبارزه با کار کودک، صفحه ۱۶

حذف سیستماتیک جانهای بی صدا؛ زندگی کارگران همچنان در معرض بلا، صفحه ۱۳
بیانیه مشترک تشکلهای حامی حقوق کودکان در محکومیت بازداشت کودکان و نقض حقوق بنیادی
آنان، صفحه ۱۲

ما کارگران دادخواهیم. ما مطالبه گریم. صدای پای ما را بشنوید، صفحه ۱۱

۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودک روز جدال بردگان کوچک در برابر برده داری نو، صفحه ۱۴

ادامه فشارهای امنیتی بر روی معلمان و دستگیریها و احضارها، صفحه ۱۵

سخنرانی شیوا عاملی راد در اجلاس جهانی کار؛ صفحه ۱۳

یاسر احمدی نژاد همکار زندانی ما باید فوراً آزاد شود، صفحه ۹

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران: روز جهانی مبارزه با کار کودک، صفحه ۱۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۴۰

۲۵ خرداد ۱۴۰۵

۱۵ ژوئن ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

جنگ و ضد امپریالیستها و
نبرد واقعی

یاشار سهندی، صفحه ۴

غنی سازی زندگی حق مسلم
ماست!

اتمی، موشکی و نیابتی و
حکومت جنگ افروز

نمی خواهیم!
صفحه ۴

نامه ای به رهبران طالبان

شمه صلواتی
صفحه ۸

به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



حقوق بشر و جایگاه حقوق شهروندی از دید مارکس - کاظم نیکخواه

نیروی کار خود را برای بقا بفروشد، هرچند از نظر حقوقی آزاد است، اما از نظر اقتصادی در موقعیتی نابرابر قرار دارد.

محدودیت‌های حقوق بشر در نظام سرمایه‌داری

مارکس معتقد بود که حقوق بشر در چهارچوب سرمایه‌داری با چند محدودیت اساسی روبه‌رو است:

صوری بودن برابری

قانون همه شهروندان را برابر می‌داند، اما این برابری حقوقی نمی‌تواند نابرابری‌های واقعی در ثروت، قدرت و دسترسی به منابع را از میان ببرد. به همین دلیل، برابری حقوقی اغلب پوششی برای تداوم نابرابری‌های اجتماعی است.

فردگرایی

حقوق بشر مدرن بر فرد مستقل و منفرد تأکید می‌کند. مارکس این نگرش را بازتاب روابط اجتماعی سرمایه‌داری می‌دانست که افراد را در رقابت با یکدیگر قرار می‌دهد و از شکل‌گیری همبستگی اجتماعی جلوگیری می‌کند.

تقدیس مالکیت خصوصی

در سنت لیبرالی، مالکیت خصوصی یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود. مارکس این حق را سرچشمه بسیاری از نابرابری‌ها و استثمار می‌دانست و معتقد بود که آزادی مالکیت برای اقلیت صاحب سرمایه، به معنای محدود شدن آزادی اکثریت فاقد مالکیت است.

جدایی دولت و جامعه

مارکس معتقد بود که حقوق شهروندی در سطح دولت سیاسی عمل می‌کنند، در حالی که روابط واقعی سلطه و استثمار در حوزه جامعه مدنی و اقتصاد شکل می‌گیرند. بنابراین برخورداری از حقوق سیاسی لزوماً به معنای رهایی از سلطه اقتصادی نیست.

جایگاه حقوق شهروندی در اندیشه مارکس

اگرچه مارکس منتقد جدی و عمیق حقوق بشر و حقوق شهروندی بورژوازی بود، اما آنها را بی‌ارزش نمی‌دانست. برعکس او رهایی سیاسی و کسب حقوق مدنی را گامی تاریخی و موقتی نسبت به نظام‌های استبدادی و فئودالی تلقی می‌کرد. حق رأی، آزادی بیان، آزادی تشکل و مشارکت سیاسی از نظر مارکس دستاوردهایی مهم بودند که می‌توانستند زمینه مبارزه طبقات فرودست برای تغییر جامعه را فراهم کنند.

با این حال، مارکس تأکید می‌کرد که حقوق شهروندی به تنهایی کافی نیستند. از نظر او، هدف نهایی باید فراتر رفتن از رهایی سیاسی و دستیابی به «رهایی انسانی» باشد؛ وضعیتی که در آن انسان نه تنها از نظر حقوقی، بلکه از نظر اقتصادی و

این روزها مقاله مشهور و قدیمی مارکس در مورد مساله یهود را می‌خواندم. سالها پیش این نوشته را خوانده بودم و اکنون به دنبال نکاتی در مورد حقوق بشر بودم. بحث حقوق بشر و حقوق انسانی و مفاهیم مربوطه در این نوشته که آنرا مارکس در دوران جوانی خود نگاشته است، به نحوی بسیار عمیق و زیبا فرموله شده است.

حقوق بشر یک بحث قدیمی و در عین حال یک موضوع داغ امروز بویژه در ایران است. این موضوع در جوامع سرمایه‌داری در مقاطع مختلف به کانون و مرکز گفتمانهای داغ اجتماعی رانده شده است. اینجا تلاش میکنم بطور خلاصه دیدگاه مارکس در مورد حقوق بشر را به نحوی موجز بازتاب دهم. امروز یعنی در دنیای کنونی حقانیت و درستی دیدگاه مارکس بیش از هر زمان قابل لمس و مشاهده است. حقوق بشر و یا حقوق انسانی در انقلاب فرانسه و انقلاب آمریکا موضوع کشاکشهای جدی طبقاتی بود و بویژه در اثر فشار مردم زحمتکش و کارکن در آن زمان و متفکران و نمایندگان سیاسی آنها، دستخوش تغییرات متعددی گردید. این حقوق به عنوان پیشروترین و عمیق ترین دستاوردهای جامعه بشری توصیف شده و غیرقابل تردید و تغییر تلقی شده اند. با این حال، بسیاری از متفکران اجتماعی و سیاسی، نسبت به ماهیت و کارکرد واقعی این حقوق انتقادهایی جدی مطرح کرده‌اند. همانگونه که اشاره شد عمیق ترین نقد از جانب کارل مارکس در قرن نوزده به حقوق بشر (rights of man) مطرح شد. مارکس برخلاف متفکران لیبرال که حقوق بشر را دستاوردی جهان‌شمول و نهایت آزادی و رهایی‌بخش می‌دانستند، معتقد بود که این حقوق در جامعه سرمایه‌داری دارای محدودیت‌های بنیادین هستند و اغلب روابط نابرابر اقتصادی و اجتماعی را پنهان می‌کنند. از نظر او، آزادی و برابری حقوقی بدون رفع نابرابری‌های مادی و طبقاتی نمی‌تواند به آزادی واقعی انسان منجر شود.

نقد مارکس بر حقوق بشر

مهم‌ترین نقد مارکس به حقوق بشر را می‌توان در مقاله مشهور او با عنوان «در باره مسئله یهود» (۱۸۴۴) (یافت. مارکس در این اثر میان «رهایی سیاسی» و «رهایی انسانی» تمایز قائل می‌شود. به باور او، حقوق بشر مدرن محصول جامعه بورژوازی است و فرد انسانی را نه به عنوان موجودی اجتماعی، بلکه به عنوان فردی منفرد، خودبنیاد و جدا از دیگران در نظر می‌گیرد.

مارکس استدلال می‌کند که حقوقی مانند آزادی، مالکیت و امنیت در واقع بیان حقوق فرد بورژوازی هستند؛ فردی که در رقابت اقتصادی با دیگران قرار دارد. برای مثال، حق مالکیت خصوصی از نظر مارکس نه تنها تضمین‌کننده آزادی نیست، بلکه به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند. در چنین شرایطی، حقوق بشر به جای از میان بردن شکاف‌های اجتماعی، چارچوبی حقوقی برای حفظ آنها فراهم می‌آورد.

از این منظر، حقوق بشر در جامعه سرمایه‌داری بیشتر بر آزادی‌های صوری تأکید دارد تا آزادی‌های واقعی. افراد از نظر قانونی برابرند، اما در عمل به دلیل تفاوت‌های طبقاتی، دسترسی یکسانی به امکانات و فرصت‌ها ندارند. کارگری که ناچار است

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



از مبارزات زنان و مردم افغانستان علیه طالبان حمایت کنید!

روز سه‌شنبه ۱۹ خرداد (۹ ژوئن) شماری از زنان و مردان هرات در واکنش به آزار و اذیت زنان توسط نیروهای امر به معروف و نهی از منکر طالبان، دست به برگزاری یک تظاهرات زدند و با شعار «تحصیل کار آزادی» و «نان کار آزادی» خواهان توقف خشونت و آزار جنسی علیه زنان و دختران و احترام به حقوق بنیادی انسانی آنان یعنی حق تحصیل و کار و سایر آزادی‌های خود شدند.

نیروهای طالبان به‌جای پاسخ‌گویی به خواسته‌های حق طلبانه مردم، وحشیانه به جان تظاهرات‌کنندگان افتادند و مردم را مستقیم به گلوله بستند که حداقل دو نفر یک کودک و یک زن کشته، تعدادی مجروح و تعدادی دستگیر شدند. طبق گزارشات مختلف طالبان نیروهایی که در مرز پاکستان بسیج کرده بود را به داخل شهرها برگردانده تا آنها را برای ایجاد ارباب مردم و مقابله با تجمعات احتمالی در روزهای آینده آماده کند.

در پی این جنایت، تعدادی از زنان و جوانان افغانستانی در تهران در مقابل سفارت افغانستان دست به تجمع زدند و با شعار «تحصیل، کار، آزادی» علیه جنایت طالبان اعتراض کردند. افغانستانی‌های مقیم چندین کشور دیگر نیز تجمعات خود را در حمایت از زنان افغانستان و علیه جنایت طالبان شروع کرده و برای روزهای آینده، فراخوان‌های متعددی در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا داده شده است. معترضان افغانستانی از دولت‌های مختلف می‌خواهند که دست از تعامل با طالبان بردارند و از

زنان و مردم افغانستان و خواسته‌های بحق آنها حمایت کنند.

از مردم ایران در داخل کشور و خارج کشور انتظار می‌رود که در حمایت از زنان و مردم ستمدیده افغانستان و علیه وحش اسلامی حاکم در افغانستان دست به تجمع بزنند و یا در تجمعاتی که توسط آزادیخواهان افغانستان برگزار می‌شود شرکت کنید. مردم ایران و افغانستان دشمنان مشترکی دارند و هر چه بیشتر باید همبستگی با یکدیگر را تحکیم کنند.

زنده باد همبستگی میان مردم ایران و افغانستان

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ خرداد ۱۴۰۵، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۶

حقوق، بلکه تلاشی برای نشان دادن شکاف میان برابری صوری و حقوقی و نابرابری واقعی بود. به همین دلیل، اندیشه او همچنان در مباحث معاصر درباره عدالت اجتماعی، حقوق اقتصادی و رابطه میان آزادی سیاسی و برابری اجتماعی جایگاهی مهم دارد.

مارکس ما را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که آیا برخورداری از حقوق قانونی به تنهایی برای تحقق کرامت انسانی کافی است، یا اینکه تحقق واقعی آزادی مستلزم دگرگونی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نیز هست.

پاسخ او روشن و شفاف است و تاریخ و واقعیات تمام جوامع سرمایه‌داری امروز بیش از شاهی بر این مدعاست که حقوق بشر، حتی اگر به طور کامل پیاده شود، بشر را از نابرابری‌ها و بی‌حقوقی‌های اجتماعی رها نمی‌کند. رهایی واقعی را باید با ترکیب برابری حقوقی با برابری اجتماعی و مادی یعنی محو تمایزات طبقاتی جستجو کرد. جامعه برابر و انسانی با چنین تحولی تازه آغاز می‌شود.

مندرج در نشریه انترناسیونال شماره ۱۱۸۰

از صفحه ۲

حقوق بشر و جایگاه حقوق شهروندی ...

اجتماعی نیز آزاد باشد.

در جامعه‌ای که مارکس تصور می‌کرد، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید از میان می‌رود، استثمار پایان می‌یابد و افراد می‌توانند استعدادها و توانایی‌های خود را آزادانه شکوفا کنند. در چنین شرایطی، حقوق شهروندی دیگر صرفاً ابزار دفاع فرد در برابر دولت نخواهد بود، بلکه بخشی از مشارکت آزادانه انسان‌ها در اداره امور اجتماعی خواهد شد.

نتیجه: مارکس حقوق بشر و حقوق شهروندی را دستاوردهای مهم انقلابات و دوران مدرن می‌داند، اما معتقد بود که این حقوق در چارچوب جامعه سرمایه‌داری دارای محدودیت‌های جدی هستند. از نظر او، آزادی و برابری حقوقی نمی‌توانند جایگزین آزادی و برابری واقعی شوند. نقد مارکس بر حقوق بشر نه رد کامل این

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL ADID

کانال جدید

جنگ و ضد امپریالیستها و نبرد واقعی - یاشار سهندی



غارنگری یا رژیم پنج به کشوری هجوم نبرده است! یکی دیگر از ضد امپریالیستها نیز مدعی است: "... طبقه‌ی کارگر در جریان مبارزه‌ی طبقاتی ابتدا باید تکلیف‌اش را با بورژوازی خودی معین و روشن و یکسویه کند. خب تا اینجا خیلی هم عالی؛ "... اما..." این از آن اماهایست که همه چیز را به هم میریزد و در دسر از آنجا شروع میشود که نمی شود منافع بورژوازی خودی را از امپریالیسم تفکیک و شناسایی کرد تا علیه اش مبارزه کرد. چرا؟ به دلیل اینکه: "... در عصر جهانی شدن سرمایه - منافع امپریالیسم چنان با منافع بورژوازی داخلی عجین شده است که تفکیک آن‌ها به ساده‌گی ممکن نیست..." برآستی روزگار در هم برهمی شده است! و بیشتر از آن: "... مضاف به اینکه دخالت مستقیم نظامی و امنیتی امپریالیسم در حلقه‌های ضعیف - و حتا قدرتمند سرمایه‌داری: نمونه اوکراین علیه فدراسیون روسیه/ تایوان علیه جمهوری خلق چین - چنان گسترش یافته است که گاه مبارزه با بورژوازی خودی بدون مبارزه با امپریالیسم امریکا ممکن نیست. "پس مرگ بر امریکا!"

مثال دیگر گفته یکی دیگر از همین جماعت است که از معصومیت تری "تضاد خلق و امپریالیسم" نوشت. تا از این تری در مقابل کسانی که به عنوان چپ و کمونیست پای منبر آخوندها و مداحان شعار مرگ بر امریکا میدهند دفاع کرده باشد. که فردای انتشار این مطلب متأسفانه باردیگر با خشونت تمام دستگیر و زندانی شد. بخشی از چپ ایران هنوز بر مبارزه علیه سلطه امپریالیسم آنهم از نوع جهانخوازش تاکید میکند، که گوش ما کارگران در همه این سالها از شنیدن آن دچار هراس میشود چون میدانیم در پی آن هجوم همه جانبه ای بر علیه زندگی شروع میشود. اعداها گسترش می یابد و هر کس که کوچکترین حرفی داشته باشد بازداشت میشود.

شور زندگی در محلات

آتش شاکرمی خاله نیکا شاکرمی در مصاحبه ای چیزی به این مضمون گفت: " میدانهای شهر در تسخیر جمهوری اسلامی است، اما در محله ها زن زندگی آزادی موج میزند. " میدانها البته به ضرب زره پوش، تیربار و مداحان نکبت و بدبختی به تسخیر درآمدند، اما محله ها، شور زندگی با همه مصیبت‌های که چون آوار سهمگین بر زندگی ما مستولی شده است، حاکم است؛ و نماد شور زندگی، زنان هستند، که با لباسهای رنگی و موهای آزاد از چنگ سلطه حکومت، با همراهی مردان رنگ را به زندگی برگرداندند. که این خود نشانگر مبارزه در اعماق جامعه در حادثترین شکل آن است، و همین جا نقطه شکست حکومت اسلامی سرمایه است.

طرفین جنگ قرار است به "تفاهم" برسند و بعد به "توافق خوب"، شاید! اما ساواک طلبان، آنهایی که به دنبال تداوم شکنجه و اعدام و زندان و خفقان هستند، در پشت نماد شیر و خورشید تاکید دارند: "شیطان در جزئیات است!" و اینگونه هم صدا و هم

از شواهد و قرائن پیداست که طرفین جنگ امریکا و ایران، جنگی که "دخالت بشردوستانه" خوانده شد، به "تفاهم" نزدیک شدند. (احتمالا تا انتشار این یادداشت تفاهم امضا شده است) جنگی که در انتهای آن ما با جمهوری اسلامی طرف هستیم زخمی که برای التیام زخمهایش حمله همه جانبه ای دیگری، در ادامه نزدیک به نیم قرن هجوم به همه زندگی، شکل داده است.

فرصتی برای ضد امپریالیستها!

با اولین موشکی که فرود آمد، برخی از چپ های محور مقاومتی، از فرط ضد امپریالیسم بودن، رفتند زیر بیرق جمهوری اسلامی و با افتخار نوشتند: "خیابان را ترک نکردیم و فریاد زدیم" «نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا». و همه اینها را به حساب همان مردمی گذاشته اند که در آبان ۹۸ و دی ۹۶ از حکومت اسلامی سرمایه جز گلوله جوابی برای مطالباتشان دریافت نکردند. و مردمی که در محلات زن زندگی آزادی را زنده نگه داشتند با چه نفرت عمیقی به این جماعتی که پرچم چرخان جمهوری اسلامی شدند، نگاه میکنند.

در جریان جنگ کسان دیگری قاطعانه گفتند: "نه به جنگ! جنگ عمیقاً ارتجاعی از دو طرف!" اما نوک حمله شان بیشتر متوجه امپریالیسم و صهیونیسم بود تا به طرف دیگر جنگ یعنی جمهوری اسلامی. یکی از ایشان به ما اطمینان میدهند که موشکهای جمهوری اسلامی کار خودش را کرده و به تل آویو آسیب شدیدی وارد شده و پایگاههای امریکا در منطقه ویران شده است، اما اخبارش سانسور میشود. ظاهراً امپریالیسم و صهیونیسم ضربه ای را تجربه کردند که تا حالا نکرده اند! و او متوجه نیست این زبان پهلوی میزند به زبان دراز و وقیح جمهوری اسلامی که صبح تا شب در رسانه هایش مدعی است "پوزه دشمن امریکایی صهیونی را به خاک مالیده ایم و حالا میخواهند با توافق از شکست فرار کنند!"

برخی دیگر که ظاهراً با چپ محور مقاومتی مشکل دارند، به آنها یاد آور میشوند: شما "ادای مبارزه با امپریالیسم" را درمی آورید! آنچه در این میان آگاهانه موردغفلت واقع میشود جمهوری اسلامی جنگ افروز است. ظاهراً جمهوری اسلامی تکلیفش معلوم است، و کارش را باید انقلاب اجتماعی کارگران تمام کند؛ اما حالا حالاها مانده تا به آن مرحله برسیم! گویا باید اول تکلیف "سلطه امپریالیستی" معلوم شود تا بعد مبارزه طبقاتی شروع شود! ایشان به آنهایی که ادای مبارزه با امپریالیسم را در می آورند یادآور شدند مبارزه واقعی علیه سلطه امپریالیستی یعنی اینکه وقتی "... شرایط امپریالیستی بر کار و تولید در کشورهایی مانند ایران حاکم است و تقابل با این شرایط و نفی و رفع آن دست سرمایه و مناسبات امپریالیستی را کوتاه میکند."

حالا یکی پیدا کند همه اینها یعنی چه؟ آیا جمهوری اسلامی یک حکومت امپریالیستی است که "شرایط امپریالیستی بر کار و تولید در کشورهایی مانند ایران حاکم است." یا هنوز "بورژوازی کمپرادور" بر ایران حاکم است؟ اساساً حاکمیت شرایط امپریالیستی بر کار و تولید یعنی چی؟ شرایط غیر امپریالیستی چگونه شرایطی است که الان معکوس آن حاکم است؟ آیا اینها یادآور این نیست که ته ذهن ایشان هنوز "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" به حیات خود ادامه میدهد.

ایشان هم از فرط ضد امپریالیست بودن قاطعانه در مورد امریکا می گویند: "هئیت حاکمه امپریالیستی" بر امریکا حاکم است! باید پرسید این هئیت حاکمه مثلاً با هئیت حاکمه گینه بیسائو چه تفاوتی دارد؟ جز اینکه مجهز بر قوی ترین و پیشرفته ترین ارتش جهان است؟ اما همین دوستان به چین که میرسند لحن شان ملایم میشود! این دومی با وجود آنکه "عمیقاً استثمارگر کاپیتالیستی" خوانده میشود، اما ظاهراً هئیت حاکمه اش امپریالیستی نیست چون تا حالا "ارتش سرخ چین" به قصد



صرف هزینه برای تاسیسات اتمی و موشکی و پهپادی و هر نوع هزینه جنگی باید تماماً متوقف شود.

هیچ هزینه‌ای نباید صرف نهادها و تبلیغات مذهبی و نیروهای سرکوب شود. تمام اموال به‌غارت‌رفته مردم توسط مافیای حاکم باید پس گرفته شود و صرف غنی‌سازی زندگی مردم شود.

این گفت‌وگو را باید سراسری کرد. باید حول این خواست‌ها متحد شد. باید این مطالبات را به شعار سراسری اعتراضات تبدیل کرد. باید هزینه‌های جنگ‌طلبی حکومت را خشکاند. باید حکومت را در همه این زمینه‌ها فلج کرد. شکل دادن به یک جنبش سراسری حول این مطالبات تقویت جنبش سرنگونی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ خرداد ۱۴۰۵، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶

غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست!

اتمی، موشکی و نیابتی و حکومت جنگ افروز نمی‌خواهیم!

گرانی کمر مردم را شکسته است. هزینه‌های درمان بیداد می‌کند. صدها هزار نفر بیکار شده و بیمه‌ای نمی‌گیرند. دستمزدها حداکثر برابر مخارج یک هفته زندگی است. کارفرمایان و خود حکومت و سپاه با استفاده از فضای جنگی کنونی همین حق و حقوق ناچیز را هم زیر سوال برده‌اند. زندگی میلیون‌ها جوان به تباهی کشیده شده و میلیون‌ها دانشجو در فقر دست و پا می‌زنند و زندگی مردم هر روز وخیم‌تر می‌شود.

اما همچنان میلیارد‌ها دلار صرف تاسیسات هسته‌ای و موشکی و نیروهای تروریست نیابتی یا نهاد‌های گنبدیده مذهبی می‌شود و مردم به حال خود رها شده‌اند. می‌گویند در حال جنگیم، تحریم هستیم، بودجه نداریم. در عوض دزدی‌ها و اختلاس‌ها توسط آیت‌الله‌ها، آفازاده‌ها و مقامات لشگری و کشوری بیداد می‌کند. مردم با هیچ حکومتی جز خود حکومت اسلامی سر جنگ ندارند. نه بمب و موشک می‌خواهند نه نیابتی، نه دم و دستگاه سرکوب، نه نهاد‌های مذهبی و نه فساد پاپان‌ناپذیر حاکمان را.

باید با صدای بلند و متحد و همه جا اعلام کرد:

کمک به نیابتی‌ها باید قطع شود.

جنگ و ضد امپریالیستها و...

از صفحه ۴

نمی‌کند یواشکی طرح قانونی را مطرح کند که در صورت تصویب آن، با احتساب میانگین سی سال دریافتی حقوق برای تعیین مستمری بازنشستگی، عملاً حقوق بازنشستگی نزدیک به صفر می‌شود. مشکل ما حکومتی است که به بهانه جنگ بالاخره توانست با آروزی دیرینه اساتید اقتصاد جامه عمل بپوشاند و قیمت‌ها را رها کند. مشکل ما امریکا نیست مشکل ما حکومتی است که به بهانه جنگ روزی نیست چند زندانی سیاسی و غیر سیاسی را به دار نکشد تا رعب و هراس را حاکم کند. مشکل ما حکومتی است که به بهانه جنگ دست کارفرمایان را باز گذاشته است تا هر گونه خواستند حقوق کارگر را تعیین و پرداخت کنند. و این گونه هزینه جنگ را بر کارگران تحمیل کرده باشند. مشکل ما حکومتی است که خود مسبب جنگ اخیر بوده است.

خیابان جای مطالبه‌گری است نه کارناوال شبانه!؛ حرف حقی است، اما این را کسانی یادآور شدند که رفتند پای منبر سرکوبگران درمیدین و شعار ضد امریکایی سر دادند. اما کارگران و بازنشستگان و هر بخشی از جامعه در سالهای اخیر در کف خیابان تجمعی داشته اند شعار ثابت شان "دشمن ما همینجاست دروغ می‌گویند امریکاست" بوده، و همین باور درست است که در اوج جنگ هم مردم، مقصر را جمهوری اسلامی میدانستند. برای همین اولین قدم و مهمترین قدم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. انقلابی که در بطن جامعه زنده است. در کوچه و پس‌کوچه های شهرها خود را نشان می‌دهد. نبرد واقعی اینجا جریان دارد.

نفس با جمهوری اسلامی تلاش شان را مضاعف کردند که به مردم این را بفروشد که همه چیز در حالت تعلیق خواهد ماند و منتظر بمانید. و ایشان به "دوستان" یادآور میشوند باید روی "خریت آخوند" حساب ویژه ای باز کرد! تا از یک جای شعله جنگ دوباره بالا بکشد و بار دیگر موشک و پهپاد و هواپیمای جنگی صفری کشان از آسمان شهرها گذر کنند و روی زمین ویرانه به جا بگذارند.

دوستان شیرو خورشید نشان به همدیگر نهیب می‌زنند اینقدر به ترامپ حمله نکنید، این "کله زرد" باز دوباره "عمو ترامپ" میشود، همان عمومی که اعتراض در خود امریکا علیه پادشاه را، تشبیه به ریختن مدفوع از هواپیما کرده، قرار است "ایران را پس بگیرد"، و تحویل ساواکیهای کیو آر کددار بدهد. پس بلند بگو: جاوید شاه! ایشان هم قدم با جمهوری اسلامی در تلاشند جلو انقلاب زن زندگی آزادی را بگیرند. غافل از اینکه جمهوری اسلامی به همه سبعیتش توانست، و ما مردم در کوران با حکومتی آبدیده شده ایم که در تلاش بود که از کل جامعه انسان زدایی بکند، اما جوابش را، با رقص و موسیقی، و با شعار جهانشمول انسانی گرفت: زن زندگی آزادی.

و انقلاب زنده است

مشکل ما امریکا نیست، مشکل ما "امپریالیسم غارتگر" نیست. مشکل ما کارگران و مردم ایران جمهوری اسلامی سرمایه است که روزگار را بر ما سیاه کرده است و زندگی را به تباهی کشانده است. مشکل ما حکومتی است در اوج جنگ فراموش

تمام قدرت به دست مردم!



بیانیه ۲۳ کشور در محکومیت "توطئه های مرگبار" جمهوری اسلامی - مهران محبی

روز چهارشنبه ۲۰ خرداد آمریکا به همراه ۲۲ کشور دیگر غربی بیانیه ای علیه جمهوری اسلامی تحت عنوان "توطئه های مرگبار و اقدامات مخرب" رژیم امضاء کرده و از حکومت اسلامی خواسته اند تا فوراً به این گونه فعالیت های نهادهای امنیتی خود در اروپا و آمریکای شمالی و استرالیا پایان دهد.

دولت های امضاء کننده بیانیه مدعی هستند که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی از قبیل اطلاعات سپاه، نیروی قدس و وزارت اطلاعات در خاک کشورهای شان مخالفان رژیم و روزنامه نگاران و جوامع و منافع اسرائیلی را هدف قرار داده و بعلاوه اقدام به ترور و آدم ربائی کرده اند. این دولت ها به ویژه جمهوری اسلامی را به خاطر موجی از حملات علیه جوامع یهودی و روزنامه نگاران ایرانی و منافع آمریکا در اروپا که اخیراً از طریق گروه "حرکت اصحاب الیمین الاسلامیه" انجام داده، محکوم کرده اند.

اقدام اخیر با مشارکت آمریکا و دولت های غربی علیه تروریسم جمهوری اسلامی اگر چه از نظر عملی قابلیت رویارویی میدانی با رژیم ندارد و در حد یک موضعگیری سیاسی در چهارچوب و عرف دیپلماتیکی میان دولت های حاکم مطابق با حفظ بند و بست های سیاسی و اقتصادی است، ولی در همین حد هم می توان آن را گامی مثبت به نفع جنبشی دانست که در داخل ایران می خواهد رژیم اسلامی را سرنگون کند. اتخاذ چنین موضعگیری های بین المللی ای هر چند دیر و ناکافی است، اما حائز اهمیت. البته نه از این جهت که حکومت های غربی به اصطلاح از سر دمکراسی خواهی و دفاع از حق آزادی بیان و آزادی فعالیت سیاسی و حتی مخالفت جدی با تروریسم برون مرزی جمهوری اسلامی در جوامع تحت حاکمیت خودشان به این نتیجه رسیده باشند که باید چنین اقدامی بکنند، بلکه از آن جهت اهمیت دارد که حاصل فعالیت ها و تلاش های احزاب و گروه ها و شخصیت های کمونیست و آزادیخواه است که دولت ها را زیر فشار گذاشته اند و همچنین نتیجه تأثیر عمیق انقلاب "زن، زندگی، آزادی" بر جهان متمدن است.

دنیا پس از انقلاب زنانه ایران متحول شده و بینش اش نسبت به جامعه ایران و رابطه مردم اش با جمهوری اسلامی دگرگون گردیده است. دیگر هیچ دولت مدعی دمکراسی خواهی ای نمی تواند به راحتی دهه های پیشین در راستای تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی همراهی و مماشات کند و نسبت به جنایات اش مهر سکوت بر دهان بزند. دیگر دوران کنار آمدن و چشم فرو بستن بر تروریسم، آدم ربائی و قتل و شکنجه و اعدام و تبعیض علیه زنان و اقلیت های قومی و مذهبی و غیره در داخل ایران پشت تر "نسبیت فرهنگی" و کنار آمدن با تروریسم و فعالیت های مخرب تبلیغی دستجات اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی علیه آزادی خواهی و فرهنگ مدرن در کشورهای غربی با تحریف و سواستفاده از دستاوردهای جنبش های چپ و آزادیخواه در غرب مانند حق آزادی بیان و فعالیت های فرهنگی به سر آمده است.

امروز به یمن انقلاب "زن، زندگی، آزادی" تصویری متفاوت از جامعه ایران و رابطه اش با حکومت اسلامی نسبت به گذشته در اذهان جهانی، خصوصاً در غرب ایجاد شده است. افکار عمومی در غرب دیگر محصور تصویر سازی های چند دهه ای دولت ها و تئوریسین های مبدع نسبیت فرهنگی طبقات حاکمه از جامعه ایران نیستند. دنیا به این واقعیت پی برده که جمهوری اسلامی حکومت و نماینده سیاسی مردم ایران نیست و می داند که فرهنگ پوسیده و عقب مانده اسلامی، فرهنگ عزا و روضه خوانی و مسجدی و منبری هیچ ربطی به فرهنگ شاد و طرفدار موسیقی و آوازخوانی مانند آنچه که در غرب است، ندارد و این ها همان دلانلی هستند که به

اهرم های فشار بر دولت ها تبدیل شده اند.

ده ها سال است که یک جنبش مدرن علیه جنایت، ترور، زندان و کشتار و اعدام، و علیه سنت های پوسیده ضد زن، ضد زندگی و ضد آزادی ای که حکومت اسلامی آن ها را نمایندگی می کند و به قانون تبدیل کرده و به جان جامعه انداخته، در جریان است. جامعه ایران امروز از نظر سیاسی یک جامعه شدیداً قطبی در برابر حکومت اسلامی است و از نظر سازمانیافتگی و تحزب در دوره حاضر بی مانند است. واضح است که احزاب و سازمان های سیاسی در داخل به خاطر وجود دیکتاتوری و سرکوبگری رژیم نمی توانند به طور علنی فعالیت کنند، اما بخش در تبعید آن ها (احزاب و سازمان های کمونیست و آزادیخواه) ده ها سال است در انعکاس صدای اعتراض مردم داخل و همچنین مبارزه برای کوتاه کردن دست حکومت در سازماندهی تروریسم بین المللی اسلامی در سایه مماشات های دولت های غربی علناً فعالیت می کنند.

بیست و شش سال پیش (سال ۱۳۷۹) یکی از قدیمی ترین اعتراضات و شاید اولین اعتراض متحول کننده در سطح بین المللی علیه حضور نمایندگان رژیم را حزب کمونیست کارگری در برلین سازمان داد. آن زمان حزب کمونیست کارگری تنها حزبی بود که بر تلاش برای جلوگیری از حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور با هدف دادن تصویر غیر واقعی از رژیم خود به عنوان رژیم متعارف و نمایندگان جامعه مصمم بود. اما خوشبختانه این سیاست و شیوه مبارزه در میان احزاب و فعالین آزادیخواه عمومیت یافت و تا حالا منتج به دستاوردهای مهمی شده است. در طی این ده ها سال در نتیجه تلاش های احزاب سیاسی، بارها دولت های غربی ناچار به اقدامات حقوقی علیه سران و نمایندگان جمهوری اسلامی شده اند. بازداشت و محاکمه حمید نوری دادیار زندان گوهردشت به جرم مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ توسط دادگاه سوئد و بستن مسجد آبی در آلمان نمونه هائی از نتایج تلاش های احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی چپ و آزادیخواه و فشاری بوده که از این طریق بر دولت های غربی وارد آمده است.

از دیگر اقدامات بین المللی علیه جمهوری اسلامی، اخراج رژیم از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تحت تأثیر انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و تروریستی شناختن سپاه توسط پارلمان اروپا بعد از قتل عام بیش از ۴۰ هزار معترض در خیزش دی ۱۴۰۴ هستند.

این ها بعلاوه موارد دیگر، از دستاوردهای جنبش سرنگونی طلبی و خیزش های انقلابی در سطح بین المللی هستند که باید پشتوانه و تکیه گاه هائی برای پیشروی های بیشتر و اساسی تر قرار داد. باید دولت ها را تحت فشار گذاشت تا جمهوری اسلامی را بایکوت سیاسی کنند. دولت ها باید سفارت های رژیم را تعطیل و مزدوران آن را اخراج کنند. دولت ها حق ندارند نمایندگان سیاسی، فرهنگی و هنری و ورزشی جمهوری اسلامی را در اماکن و مؤسسات و فستیوال ها و ورزشگاه های بین المللی و محلی راه دهند. باید به دولت ها فشار آورد تا همه وابستگان رژیم و آقازادگان آن ها را اخراج و همه اموال سرقت کرده از جامعه که با آن در کشورهای غربی سرمایه گذاری کرده و برای خود زندگی های اشرافی ساخته اند، ضبط کنند تا در فردای سرنگونی حکومت به جامعه بازگردانده و خرج رفاه مردم شوند. بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، سرنگونی اش به دست مردم و تسهیل و تسریع میکند.

لغو کار کودک؛ مسئولیتی فراتر از کودکان - بهروز بهاری



دارد. خانواده‌ای که از حداقل درآمد، مسکن مناسب، بیمه و امنیت شغلی برخوردار نباشد، ممکن است ناخواسته کودک را به بازار کار سوق دهد. بنابراین، مبارزه با کار کودک بدون مبارزه با فقر، نابرابری و محرومیت اقتصادی امکان‌پذیر نیست.

دوم، دسترسی برابر به آموزش باکیفیت است. مدرسه نباید صرفاً مکانی برای آموزش دروس باشد، بلکه باید محیطی امن برای رشد اجتماعی، عاطفی و فکری کودکان فراهم کند. هر کودکی که از چرخه آموزش خارج می‌شود، در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

سوم، حمایت قانونی و اجرایی است. وجود قوانین کافی نیست؛ این قوانین باید به‌طور جدی اجرا شوند. دولت‌ها موظف‌اند با بهره‌کشی از کودکان مقابله کنند، از حقوق آنان در محیط‌های واقعی و مجازی حفاظت کنند و سازوکارهای مؤثری برای شناسایی و حمایت از کودکان آسیب‌پذیر ایجاد کنند.

چهارم، ارتقای آگاهی عمومی است. جامعه باید کودکان را نه به عنوان نیروی کار ارزان یا مصرف‌کنندگان منفعل محتوا، بلکه به عنوان صاحبان حقوق مستقل انسانی بشناسد. تغییر نگرش عمومی نسبت به کودکان، یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های حفاظت از آنان است.

و در نهایت، حمایت از کودکان به معنای شنیدن صدای آنان است. کودکان تنها موضوع سیاست‌ها و برنامه‌ها نیستند؛ آنان انسان‌هایی هستند که نیازها، دغدغه‌ها و حقوق مشخصی دارند. جامعه‌ای که به کودکان گوش می‌دهد و برای رفاه و امنیت آنان سرمایه‌گذاری می‌کند، در حقیقت برای آینده خود سرمایه‌گذاری کرده است.

امروز حمایت از کودکان تنها به معنای جلوگیری از کار کودک نیست. حمایت از کودکان یعنی ایجاد شرایطی که هیچ کودکی به دلیل فقر از مدرسه بازماند، هیچ کودکی در معرض خشونت و بهره‌کشی قرار نگیرد، هیچ کودکی در فضای مجازی بی‌دفاع نباشد و هیچ کودکی احساس نکند که جامعه او را فراموش کرده است.

معیار توسعه واقعی هر جامعه نه در میزان ثروت و فناوری، بلکه در چگونگی رفتار آن با کودکان سنجیده می‌شود؛ زیرا آینده هر جامعه از همین امروز و از زندگی کودکان آن آغاز می‌شود.

بدون تردید، لغو کار کودک، حتی بدون در نظر گرفتن پیشرفت‌های فناوری و تحولات تکنولوژیک، یک ضرورت انسانی، اجتماعی و اخلاقی است. با این حال، در کنار اصل ضرورت حذف کار کودک، پرسش مهم‌تر آن است که چگونه می‌توان این پدیده را از میان برداشت و چه سازوکارهایی برای حمایت واقعی از کودکان باید به کار گرفته شود.

کار کودک تنها به معنای حضور یک کودک در محیط کار نیست؛ بلکه یکی از آشکارترین اشکال سلب فرصت‌های دوران کودکی است. کودکی باید زمان رشد، آموزش، بازی، تجربه امنیت عاطفی و شکل‌گیری شخصیت انسان باشد. هنگامی که کودک ناچار به کار می‌شود، بخشی از این فرصت‌های غیرقابل تکرار را از دست می‌دهد و آسیب‌هایی را تجربه می‌کند که گاه تا پایان عمر بر زندگی او سایه می‌اندازد. این آسیب‌ها تنها متوجه فرد نیستند، بلکه آینده جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ زیرا جامعه‌ای که کودکانش از آموزش، سلامت و امنیت محروم شوند، در واقع بخشی از سرمایه انسانی خود را از دست می‌دهد.

با این حال، تمرکز صرف بر کار کودک کافی نیست. امروز اشکال تازه‌ای از آسیب‌پذیری کودکان در حال گسترش است که گاه کمتر دیده می‌شوند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها حضور گسترده کودکان در شبکه‌های اجتماعی و مواجهه آنان با حجم عظیمی از محتوایی است که لزوماً متناسب با

سن، نیازها و توانایی‌های ذهنی آنان نیست. کودکان در فضای دیجیتال با خطراتی چون خشونت، آزار اینترنتی، سوءاستفاده، تبلیغات فریبنده، اعتیاد به فضای مجازی و شکل‌گیری الگوهای ناسالم رفتاری روبه‌رو هستند. همان‌گونه که کار کودک می‌تواند آینده یک کودک را

تهدید کند، بی‌توجهی به امنیت و سلامت روانی کودکان در فضای مجازی نیز می‌تواند پیامدهای عمیقی برای نسل آینده داشته باشد.

از سوی دیگر، هرگونه آسیب‌شناسی وضعیت کودکان، هرچند ارزشمند و ضروری است، اگر به ارائه راه‌حل منجر نشود، در سطح نظری باقی خواهد ماند. پژوهش‌ها، گزارش‌ها و تحلیل‌ها می‌توانند ابعاد مسئله را روشن کنند، اما تا زمانی که به سیاست‌گذاری، اقدام اجتماعی و تغییرات عملی منجر نشوند، تأثیر مستقیمی بر زندگی کودکان نخواهند داشت.

راه‌حل را نباید در میان کودکان جست‌وجو کرد. کودکان قربانی شرایطی هستند که توسط بزرگسالان و ساختارهای اجتماعی شکل گرفته است. بنابراین، مسئولیت اصلی نیز بر دوش بزرگسالان، جامعه و دولت قرار دارد.

هر اندازه که یک جامعه بتواند حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی را به ارزش‌های بنیادین خود تبدیل کند، به همان نسبت کودکان آن جامعه از امنیت و حمایت بیشتری برخوردار خواهند شد. کودکان نخستین گروهی هستند که از فقر، تبعیض، نابرابری و ضعف نظام‌های حمایتی آسیب می‌بینند و در مقابل، نخستین گروهی نیز هستند که از گسترش عدالت و رفاه سود می‌برند.

اما حمایت جامعه، خانواده و دولت از کودکان به چه معناست؟

نخست، حمایت اقتصادی از خانواده‌هاست. بخش بزرگی از کار کودک ریشه در فقر

جمهوری اسلامی سرنگون!

اولتیماتوم کارگران فولاد اهواز به تجمع در مقابل استانداری و تداوم سه شنبه های نه به اعدام

کارگران فولاد اهواز هشدار دادند

امروز نوزدهم خرداد ماه کارگران فولاد اهواز بر اساس فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به تعویق پرداخت حقوقهایشان و مشکلات معیشتی و کاری خود و بی پاسخ ماندن خواستههایشان در مقابل دفتر مدیریت شرکت دست به تجمع زدند. این کارگران در فراخوان اعتراضی خود به مسئولان شرکت و بانک ملی اولتیماتوم داده بودند که اگر تا روز نوزدهم خرداد اقدامی عملی برای پرداخت مطالبات آنها و پاسخگویی به خواستههایشان صورت نگیرد در ساعت هشت و نیم صبح روز بیستم خرداد در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد. کارگران در فراخوان خود اعلام کردند و نوشتند: "تجمع خواهیم کرد تا برای آخرین بار تکلیف شرکت، تولید و آینده کارگران به صورت شفاف و قطعی مشخص شود. کارگران دیگر وعده نمی‌خواهند، اقدام عملی می‌خواهند."

گروه ملی فولاد اهواز یک کانون داغ اعتراضات کارگری است و تجربیات درخشانی از برپایی تجمعات بزرگ و متحد و همراه کردن مردم با خود را دارند.

تداوم کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»

کارزار سه شنبه های نه به اعدام امروز ۱۹ خرداد در هفته صدویست و چهارم در ۵۶ زندان مختلف جریان یافت. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود با اشاره به اعتراضات گسترده دانش آموزان در شهرهای مختلف از خواستهها و مبارزات آنها اعلام پشتیبانی کردند. در بخشی از این بیانیه این کارزار ضمن اشاره به اعدامهای گسترده و سرکوبگریهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی چنین آمده است:

"اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» که برای صدویست و چهارمین هفته پیایی در برابر این اعدام‌های غیر انسانی ایستادگی کرده و تعدادی از اعضای آن اعدام و یا به اشکال مختلف تحت فشار زندان و نهادهای امنیتی قرار گرفته‌اند، بیش از همیشه و بار دیگر صدای خود را در دفاع از حق بنیادین زندگی بلند می‌کنند، حقی



که سرچشمه همه حقوق انسانی است و پاسداری از آن، نشانه بلوغ، برابری، آزادی و انسانیت هر جامعه به شمار می‌آید. بنابراین از همه اقشار و هم‌وطنان عزیز می‌خواهند که صدای دادخواهی خود را علیه صدور و اجرای احکام ظالمانه اعدام بلند کرده و به شدیدترین وجه ممکن اعتراض خود را بیان کنند.

آزادی و عدالت حق هر انسانی است و عدالت واقعی نه از مسیر مرگ و سلب حق حیات بلکه از مسیر احترام به حقوق بشر به دست می‌آید. در نتیجه برای به دست آوردن آن از دست حاکمان ستم‌کار و مستبد باید مبارزه و مقاومت کرد."

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ خرداد ۱۴۰۵، ۹ ژوئن ۲۰۲۶

نامه‌ای به رهبران طالبان - شمه صلواتی

انسان، بخشی از انسانیت حضور دارد که بدون آزادی زن، ناقص می‌ماند. جامعه‌ای که زن را به حاشیه می‌راند، در حقیقت انسان را به حاشیه رانده است.

فلسفه قدرت می‌گوید: «اطاعت کن تا بمانی.» اما فلسفه انسان می‌گوید: «بیندیش تا انسان باشی.»

تاریخ، میدان نبرد میان این دو صداست
شما شاید بتوانید سال‌ها حکومت کنید، اما هیچ حکومتی نتوانسته است بر زمان پیروز شود. زمان، آرام و بی‌صدا، همه چیز را دآوری می‌کند. نه با شعارها، نه با پرچم‌ها، بلکه با این پرسش ساده:

با کودکان چه کردید؟ با زنان چه کردید؟ و با کرامت انسان چه کردید؟
روزی که تاریخ این پرسش‌ها را مطرح کند، هیچ قدرتی نمی‌تواند پاسخ را پنهان سازد.

من در کنار زنانی می‌ایستم که حق زندگی می‌خواهند، در کنار کودکانی که حق آموختن می‌خواهند، و در کنار انسان‌هایی که می‌خواهند بی‌ترس بیندیشند.
زیرا دفاع از زن، دفاع از کودک، و دفاع از آزادی،

در نهایت دفاع از خود انسان است. شمی صلواتی شاهد عبور ذهن‌ها:

شما می‌توانید مدرسه‌ها را ببندید، می‌توانید کتاب‌ها را از دست کودکان بگیرید، می‌توانید زنان را از خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و عرصه‌های اجتماعی برانید؛ اما نمی‌توانید میل انسان به دانستن، زیستن و آزاد بودن را از میان ببرید. قدرت، آن‌گاه که از ترس تغذیه می‌کند، شاید بتواند بدن‌ها را به سکوت وادارد؛ اما هرگز قادر نیست اندیشه را زندانی کند. اندیشه، همانند آب، راه خود را از میان سنگ‌ها خواهد یافت.

من این نامه را از دل تجربه‌ای عینی نیز می‌نویسم؛ از شهری چون هرات، که در آن، خشونت جاری در خیابان‌ها، زخمی بر وجدان انسان می‌گذارد. جایی که ترس، نه یک مفهوم سیاسی، بلکه واقعیتی روزمره در نگاه مردم می‌شود؛ و نشانه‌های رنج، در چهره زخمی‌ها و سکوت سنگین شهر دیده می‌شود.
این تصاویر، صرفاً یک رخداد محلی نیستند؛ بلکه نشانه‌ای از یک بحران عمیق‌ترند: بحران نسبت قدرت با انسان.

کودک، متعلق به هیچ ایدئولوژی، مذهب یا حکومتی نیست؛ او متعلق به آینده است. و هیچ جنایتی بزرگ‌تر از آن نیست که آینده را از حق دانستن، پرسیدن و رؤیا دیدن محروم کند.

زن نیز صرفاً یک عضو جامعه نیست؛ او نیمی از انسانیت نیست، بلکه در هر

شرکت هیئتی از حزب کمونیست کارگری در آکسیون اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در ژنو سخنرانی عظیم مطور در برابر کنفرانس آی ال او



زندان و در خطر اعدام هستند باشیم.

جمهوری اسلامی مستاصل از جنگ با اعدام زندانیان سیاسی و مبارزین خیزش‌های مردمی، سعی به خاموش کردن صدای مردم ایران را دارد، اما فعالین انقلابی در داخل و بیرون از زندانهای رژیم با عزمی راسخ و متحد، آزادی را فریاد میزنند، همچون سپیده قلیان که نوشت: از هر چه خسته میشوم بشوم، اما از رسیدن به آزادی نه! و در آخر به یاد رها بهلولی تا ابد زن زندگی آزادی.

سالهست که هیات‌های حزب کمونیست کارگری با حضور در مقابل اجلاس آی ال او بر خواست اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان تاکید میکنند. جمهوری اسلامی بخاطر کشتار دیماه خونین و چهل و هفت سال جنایت و سرکوب و تحمیل فقر و بردگی و جنگ و ناامنی به مردم باید در سطح جهان بایکوت شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ خرداد ۱۴۰۵، ۹ ژوئن ۲۰۲۶

روز دوازدهم خرداد برابر با دوم ژوئن آکسیونی اعتراضی به فراخوان کمپین برای آزادی کارگران زندانی در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار برگزار شد. این نهاد کارگری طی نامه ای تحت عنوان "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود" از تمامی جمع‌ها، گروه‌ها، نهاد‌ها و احزاب و جریانات سیاسی خواستار شده بود که با امضای این نامه به این کارزار پیوندند. تا کنون ۲۸ گروه و نهاد و جریان سیاسی از این کارزار حمایت کرده‌اند. حزب کمونیست کارگری یکی از حامیان این اعتراض بود و مثل هر سال هیاتی از حزب در آکسیون اعتراضی روز دوازدهم خردادماه در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه جمهوری اسلامی با بنرهای ویژه خود شرکت داشت. در این میتینگ اعتراضی عظیم مطور از طرف حزب کمونیست کارگری سخنرانی کرد و گفت: "ما اینجا حضور داریم تا صدای خاموش نشدنی مردم ایران در خارج کشور باشیم. ما خواهان بایکوت جمهوری اسلامی در تمامی سطوح سیاسی هستیم. آمده‌ایم تا فریاد بزنیم که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، بلکه قاتل آنهاست و باید از نشست سازمان جهانی کار برای همیشه اخراج شود. کسانی که از سوی حکومت اسلامی به این اجلاس آمده‌اند نماینده کارگران معترض نیستند، این جانیان نماینده بچه‌های اکباتان که زیر تیغ اعدامند، نیستند. نماینده هزاران مبارز دیماه ۴۰۴ نیستند، نماینده زنان انقلابی زن زندگی آزادی که صدایشان جهان را به پا حرکت در آورد، نیستند. این حکومت عامل و آمر قتل عام ده‌ها هزار انسان شریف و مبارز است!

ما اجازه نخواهیم داد نمایندگان رژیم در کریدورهای سازمانهای جهانی به راحتی قدم بزنند و جنایت‌هایشان را سانسور کنند ما مقابلشان می‌ایستیم تا صدای معترض کارگران پرستاران بازنشستگان معلمان و تمام آزادیخواهان سرنگونی طلب که در



یاسر احمدی نژاد
همکار زندانی ما باید
فوری آزاد شود



یاسر احمدی نژاد همکار زندانی ما باید فوراً آزاد شود

پس از سال ۵۷ را در تهران و عسلیویه رقم زدیم و ما کارگران رسمی و غیر رسمی و پروژه ای که هربار اراده کرده ایم، بخش‌های مختلف نفت را به تعطیلی کشانده ایم!

ما کارگران نفت که این روزها زیر سایه جنگ و در اوج هرج و مرج و

دزدیها و فساد در کل ساختار به ویژه در نفت، جانمان در برابر مزدی ناچیز قربانی جنگ افروزی و زیاده خواهی عده ای مفتخور در اقلیت است اعلام میکنیم در برابر این حجم از سرکوب و اعدام و بگیر و ببند زندانی کردن همکاران و مردم معترض و تحت ستم سکوت نمیکشیم و با امضای این بیانیه خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط یاسر احمدی نژاد، همه کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان و همه دستگیر شدگان معترض دیماه و پس از آن هستیم و از همه بخش‌های کارگری و بویژه کارگران شاغل در نفت میخواهیم که همگی دست در دست هم با کارزاری سراسری برای آزادی این عزیزان به میدان بیاییم. چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

یاسر احمدی نژاد کارگر و نماینده مستقل کارگران ملی حفاری است که در سال‌های اخیر بخاطر پیگیری مطالبات همکاران بارها با مدیریت فاسد و پیمانکاران دزد و مفتخور نفت رودرو شد و بارها زد و بند و دزدیهای مدیران ناظر پروژه با پیمانکاران را افشا کرد.

یاسر در جریان اعتراضات همکاران ارکان ثالث ملی حفاری در سه سال گذشته با پرونده سازی حراست ملی حفاری در نهادهای امنیتی اخراج شد و هرچند زیر فشار اعتراض گسترده همکاران ارکان ثالث نفت و حمایتها و پشتیبانی‌ها به کار خود بازگشت، اما همچنان حاضر به سکوت در برابر تضییع حقوق کارگران نگردید و در نهایت از کار اخراج شد، اما او بلافاصله بعد از اخراج مجدد از کار با شرکت در آزمون دانشگاه و قبولی وکالت با هدف احقاق حقوق کارگران، بر علیه فساد ساختاری نفت اعتراضش را دنبال کرد.

یاسر احمدی نژاد در جریان اعتراضات #زن_زندگی_آزادی سال ۱۴۰۱ و از آغاز اعتراضات دیماه ۱۴۰۴، علیه رانت خواری‌های حاکم و سرکوبگریها همواره کنار مردم ایستاد و بخاطر همه این مبارزاتش بازداشت و هم اکنون برای دومین بار با اتهامات دروغین و ساختگی برای تحمل ۳۳ ماه حبس در زندان است.

یاسر احمدی نژاد صدای ماست! صدای ما کارگران ملی حفاری که بارها و بارها توانستیم با خشم و اعتراضمان خیابان مقابل ساختمان اداری شرکت را ببندیم و ما کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری که در سال گذشته بزرگترین اعتراضات و راهپیمایی

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در چندین شهر و اخباری دیگر



شده است.

اعتراض کارگران فولاد اهواز حاکمان را عقب راند

طبق گزارشات سه روز پس از تجمع اعتراضی کارگران فولاد اهواز در روز ۱۹ خرداد، مقامات استان از جمله سرپرست بانک ملی خوزستان، مدیر عامل شرکت گروه ملی صنعتی فولاد و مدیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی جلسه اضطراری تشکیل داده و برای جلوگیری از تداوم این اعتراض و سرایت آن به سایر مراکز کارگری وعده هایی دادند و استاندار خوزستان اعلام کرده است که تمامی مطالبات کارگران، حقوق، مزایا و اضافه کار را پرداخت کرده اند. کارگران فولاد پیگیر مطالبات خود هستند. این کارگران قبلاً اولتیماتوم داده بودند که اگر تا نوزدهم خرداد اقدامی عملی در جهت پرداخت مطالباتشان صورت نگیرد، تجمع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ خرداد ۱۴۰۵، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۶

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر

بازنشستگان گسترده تر به میدان می آیند. امروز ۲۴ خرداد بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری خواسته های و در اعتراض به مشکلات معیشتی شان در شهرهای شوش، کرمانشاه، اهواز، در برابر سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. در کرمانشاه بخش های مختلف بازنشستگان بعد از جنگ ۳۹ روزه و خاموشی های اینترنتی به خیابان آمده و تجمع اعتراضی قابل توجه و پر شوری را بر پا کردند. بازنشستگان کرمانشاه یک الگوی درخشان از اعتراض علیه وضع موجود هستند. الگویی که در تمام شهرها میشود تکثیر کرد. در تجمع اعتراضی این روز بازنشستگان کرمانشاه شعار میدادند: "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست"، اختلاس نجومی، فلاکت عمومی، "نان گران، دارو گران، دولت شده دشمن جان!"، "با غارت بی وقفه، حقوق ها معوقه"، "با غارت بی وقفه، زندگی فلاکته"، "بازنشسته به پا خیز، وقت نشستن نیست"، "نه جنگ می خواهیم نه کشتار، رفاه می خواهیم ماندگار"، "قناعت، ریاضت، تحمیل شده به ملت".

در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی علیرغم گرمای بالای ۴۵ درجه خوزستان تجمع کردند و پیگیر خواسته های شان شدند و با فریاد شعارهایشان خشم خود را از وضعیت موجود و وخیم تر شدن هر روزه معیشت و کاهش قدرت خرید و مشکلات بیمه ای اعلام کردند. معترضان شعار میدادند: "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی"، "رجزخوانی کافیه، سفره ما خالیه"، "نه جنگ می خواهیم، نه کشتار، رفاه می خواهیم ماندگار"، "تا حق خود نگیریم، از پای نمی نشینیم"، "گرانی، تورم؛ بلای جان مردم بازنشسته بیدار است، به حق خود آگاه است"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "بازنشسته به پا خیز، برای رفع تبعیض"، "افزایش مزایا، حق مسلم ماست"، و "دولت بی کفایت، مجلس بی خاصیت نمی خواهیم". علاوه بر بازنشستگان شوش و کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز و رشت و تهران نیز تجمع داشتند.

پرداخت مطالبات معوقه، افزایش حقوق ماهانه همراه با افزایش مستمری ها متناسب با هزینه های زندگی شایسته و حفاظت از منابع سازمان، خواسته های فوری بازنشستگان است. آزادی بازنشستگان زندانی و دیگر معتزین و زندانیان سیاسی، توقف سرکوبگریها و پرونده سازی های امنیتی و اعدامها، پایان یافتن جنگ افریزیهای حکومت و بازگشت هزینه های آن به سفره های خالی مردم، پایان دادن به بساط اختلاس و چپاول و دزدی حاکم، درمان رایگان خواسته های مهم و سراسری بازنشستگان است که در شعارهای اعتراضی آنها بازتاب دارد.

اعتراض کارگران شهرداری لیکک به ۷ ماه معوقات مزدی

روز شنبه ۱۶ خرداد کارگران شهرداری لیکک در استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به پرداخت نشدن دست کم ۷ ماه حقوق، مزایا، عیدی و پاداش پایان سال مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گفته کارگران آنها از آبان ماه ۱۴۰۴ تاکنون مطالبات خود را دریافت نکرده اند و در شرایط تورم و گرانی فزاینده، تأمین ابتدایی ترین هزینه های زندگی برای آنان و خانواده های شان با دشواری جدی روبه رو

زن، زندگی، آزادی!

ما کارگران دادخواهیم. ما مطالبه گریم. صدای پای ما را بشنوید



آسیب دیده است، دست پیمانکاران را برای زور گویی بازتر گذاشته و نفت را دچار بحران کرده اید و اکنون سنگ بر روی سنگ بنا نیست و زندگی ما کارگران روی هوا مانده است. شرکت های مفتخور پیمانکاری نیز به بهانه درگیر بودن در پروژه های در حال ساخت جواب همکاران را نمیدهند و در خیلی جاها چندین ماه مزدشان را هم بالا کشیده اند.

- علاوه بر صدمات جانی، هزاران نفر از همکاران ما بیکار شده اند. و حتی پرداخت دستمزدها نیز در بسیاری جاها به تعویق افتاده است. اما در همین مقاطع پر خطر و بشدت امنیتی همکاران ما در مراکز از نفت از جمله در پتروشیمی ماهشهر دست به اعتراض زدند. الان هم میکوشید هزینه جنگ و سرکوب را از سفره ما کارگران و ما مردم خرج کنید و همچنان غارت و چپاولتان برپا است.

اما می بینید که چگونه اعتراضات دارد شکل میگیرد و صداهای اعتراض بلند شده است. در ۱۲ خرداد همکاران قراردادی، شرکتی و پیمانکاری شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در دومین تجمع خود پس از تجمع ۳۰ اردیبهشت در اعتراض به اخراجها، کسورات مزدی و تعویق پرداخت دستمزدها و مشکلات حاد معیشتی خود و با تاکید بر حق اعتراض و تجمع و رفع برخوردهای امنیتی و تهدید آمیز در مقابل ساختمان اداره کار منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر تجمع کردند.

میدانستیم و می دانستید که این وضع با دوام نخواهد بود و ناگزیر شدید اینترنت را هر چند نصفه نیمه باز کنید. حالا گوشهائیان را باز کنید. ما کارگران و ما مردم خاموش نمانده و خاموش هم نمی مانیم. ما دادخواهیم. ما مطالبه گریم. صدای پای ما را بشنوید. تجربه اعتصابات هزاران نفره ما را دارید. اجتماعات هزاران نفره ما در کف خیابان با شعار "پیمانکار نمیخوایم نمیخوایم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" را به یاد دارید. این صدا ها در نفت وسعت هزاران نفره دارد. همصدا با همکاران ارکان ثالث اعلام میکنیم: با قدرت هرچه بیشتر به اعتراضات باز خواهیم گشت! ما همه همکاران در تمامی بخش های نفت را به گسترش اعتراضات فرامیخوانیم!

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

خرداد ۱۴۰۵

برگرفته از مدیای اجتماعی

متحد علیه کشتار دیماه ۱۴۰۴، متحد علیه نابودی کار و معیشت، متحد علیه جنگ افروزیهای حکومت و تعرضاتی که به بهانه جنگ بر زندگی ما کارگران و ما مردم هر روزه وارد میشود و متحد علیه سرکوب و زندان و اعدام ایستاده ایم.

- در دیماه ۱۴۰۴، فریاد اعتراض علیه فقر و گرانی سر دادیم و شما که پاسخی نداشتند بیرحمانه کشتار کردید. اما دیدید که رساتر از هر وقت به خیابان آمدیم و اعلام دادخواهی کردیم.

- اینترنت را قطع کردید و در خاموشی دیجیتال بر سرکوبها شدت دادید چون خشم ما را دیدید و ترسیدید.

- با جنگ افروزی ها کار و زندگی ما را به نابودی بیشتری کشانیدید. خصوصا ما کارگران نفت که هزاران نفره کار خود را از دست داده ایم.

- در جریان جنگ ناخواسته که همواره به دلیل جنگ افروزی های داخلی و خارجی بر ما کارگران و مردم تحت ستم تحمیل شده است، استفاده از ما کارگران بعنوان سپر انسانی در پروژه های بهره برداری نفت استفاده ابزاری کردید،

- با وجود بمباران گسترده مراکز نفتی، مدیران ناظر بر اجرای پیمان و روسای پالایشگاه ها و پتروشیمی ها، تحت فشار سپاه و نهادهای امنیتی، همکاران ما را ملزم به حضور حداکثری در محیط های کاری در شرایط جنگی نمودید و با جان ما بازی کردید.

- نهادهای امنیتی برای عادی سازی شرایط و پنهان سازی گسترده خرابیهای ناشی از جنگ، با اجبار مدیران نفت، همکاران ارکان ثالث و پیمانکاری را در موقعیت پر خطر و ناایمن و جنگی، و نشت گازهای سمی و احتمال انفجار به دلیل انباشت سیالات قابل اشتعال در خطوط لوله و مخازن و برجهای آسیب دیده در پالایشگاههای پارس جنوبی و پتروشیمی ماهشهر وادار به کار کردید و جانمان را به خطر جدی انداختید. یک مثال آن اتفاقی است که در شنبه ۱۵ فروردین افتاد و منجر به کشته و زخمی شدن صدها تن از همکارانمان گردید. که به گزارش همکاران ارکان ثالث در جریان این کشتار، پیکر ۴ همکار ارکان ثالث به اهواز اعزام گردید و در نهایت، پیکر عزیزشان به خانواده های داغدار شان تحویل گردید!

مورد دیگر در چهارم خرداد روی داد و در جریان آواربرداری تأسیسات آسیب دیده پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی، ۶ همکار پیمانکاری متصدی آوار برداری در اثر انفجار شدید گاز باقی مانده در خطوط لوله، دچار آسیب دیدگی گردیدند که از این تعداد ۳ تن از این عزیزان به دلیل شدت جراحات به بیمارستان عسلویه اعزام شدند. و آنجا نیز حضور با تأخیر تیم آتش نشانی و اورژانس در عملیات نجات و تأخیر در خروج کارگران مصدوم از منطقه بحران، آسیب جدی ای وارد کرد.

- بسیاری از پروژه های در حال ساخت در شرایط جنگی کاملاً متوقف شده اند. در نتیجه بسیاری از پروژه های نصفه نیمه نفتی متوقف شده و بسیاری از همکاران بیکار شده اند. تحت عنوان اینکه بودجه ندارید و اولویت بازسازی واحدهای

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

بیانیه مشترک تشکل‌های حامی حقوق کودکان در محکومیت بازداشت کودکان و نقض حقوق بنیادین آنان

پیرو اقدام پیشین تشکل‌های مدنی و نامه‌نگاری با سازمان زندان‌ها و وزارت آموزش و پرورش درباره بازداشت و برخورد با دانش‌آموزان—و در پی بی‌پاسخ ماندن آن مکاتبات—ما، انجمن‌ها و نهادهای مدنی امضاکننده این بیانیه، بار دیگر بازداشت کودکان، تشکیل پرونده قضایی برای آنان، اخذ و پخش اعترافات اجباری تلویزیونی و هرگونه برخورد امنیتی با دانش‌آموزان را نقض آشکار کرامت انسانی و مغایر با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال حقوق کودکان دانسته و به‌صراحت محکوم می‌کنیم.

بر اساس پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، اصل «منافع عالیه کودک» و حق ذاتی حیات، بقا و رشد، مبنای همه تصمیم‌ها و اقدامات نسبت به افراد زیر ۱۸ سال است. بازداشت، فشار روانی، تهدید و انتشار اعترافات اجباری، پرونده‌سازی برای کودکان، در تعارض مستقیم با این اصول و تعهد دولت‌ها به حمایت ویژه از کودکان آسیب‌پذیر قرار دارد. همچنین طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر انسان از کرامت، امنیت شخصی، منع رفتار تحقیرآمیز و دادرسی عادلانه برخوردار است؛ اصولی که در مورد کودکان اهمیت مضاعف دارد.

پخش اعترافات اجباری کودکان در رسانه‌ها نقض حریم خصوصی و حیثیت آنان و تحمیل برچسبی ماندگار بر زندگی‌شان است و سلامت روان و آینده تحصیلی آنان را تهدید می‌کند. فرزندان ما به‌قدر کافی از اندوه فقدان و قتل همکلاسی‌های خود آزرد و سوگوارند؛ بیش از این بر رنج آنان نفزایید.

متأسفانه اخبار حکایت از ورود نهادهای امنیتی و انتظامی به برخی مدارس دارد که در اینصورت استقلال و امنیت فضای تعلیم و تربیت را مخدوش کرده و محیط آموزشی را از بستر رشد به میدان ترس بدل می‌سازد. سکوت و بی‌عملی مسئولان ذی‌ربط، به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش، با مسئولیت قانونی و اخلاقی آنان در حمایت از دانش‌آموزان سازگار نیست.

خواست‌های مشخص انجمن‌های امضاکننده:

۱. آزادی بی‌قید و شرط تمامی کودکان و نوجوانان بازداشت‌شده

۲. توقف فوری بازداشت و پرونده‌سازی علیه کودکان

۳. منع قطعی و بدون استثنای پخش اعترافات اجباری کودکان در هر رسانه

۴. منع ورود نهادهای امنیتی و انتظامی به مدارس و محیط‌های آموزشی

۵. تأمین فوری حمایت‌های روانی، اجتماعی و آموزشی برای دانش‌آموزان آسیب‌دیده

۶. ارایه گزارش شفاف وزارت آموزش و پرورش در مورد قربانیان، بازداشتی‌ها و آسیب دیدگان جامعه دانش‌آموزی در اعتراض‌های اخیر و پاسخگویی در مقابل تضییع حقوق آنها و اقدام سریع نسبت به بندهای فوق

۷. بهره‌برداری از عواطف و احساسات پاک کودکان و نوجوانان برای اهداف سیاسی یا جناحی، از سوی هر فرد یا جریانی، محکوم و مردود است. آن‌ها نباید ابزار منازعات قدرت قرار گیرند و حفظ کرامت و امنیت روانی و جانی آنان مسئولیتی همگانی

محل نگهداری
کانون اصلاح و تربیت
زنان پاسوج

۱۷. سمیرا کریمی پور
۱۸. پریچهر انصاری
۱۹. ابوالفضل خشنود
۲۰. محمد مهدی علی‌پور
۲۱. امیر محمد بختیاری
۲۲. فرید علیزاده
۲۳. حسین خواجهمیر
۲۴. عرفان یازدان
۲۵. رضا فرهادی سی‌سخت
۲۶. احمد رضا خالقی‌پور
۲۷. محدثه محمدی
۲۸. شهلا انصاریان
۲۹. ساناز داودی
۳۰. آناهیتا حکمت‌نیا
۳۱. زهره درمان
۳۲. شهره نیکافیل
۳۳. آیدان پروانه
۳۴. فریوش آذر
۳۵. شقایق زاهدی
۳۶. حدیث ششپای
۳۷. الهام سیاهوشی
۳۸. زهرا دارفوس
۳۹. مژگان قزوین
۴۰. پلدا پژوانی
۴۱. غزل حمزه‌عمه
۴۲. زهرا ایزدینیا
۴۳. ندا کرامی‌منش

محل نگهداری
کانون اصلاح و تربیت
پاسوج

۱. کیارش انصاری - ۱۸ ساله
۲. راضیه خواش - ۱۹ ساله
۳. ایلینا اکویان - ۱۶ ساله
۴. یاشار شهپازی - ۱۷ ساله
۵. محمد مختاری - ۱۷ ساله
۶. میکایل منصوری
۷. صمد پورشه
۸. پارسا اکابر - آزاد شد
۹. معراج عباس‌نژاد
۱۰. مسلم پرزدار
۱۱. عرفان رحمان‌پور - ۱۸ ساله
۱۲. احمد انصاری - ۱۸ ساله
۱۳. شهاب اسدی
۱۴. محمد عبدالشپور
۱۵. داوود ضرغامی
۱۶. سینا دانا - ۱۷ ساله

اسامی دانش‌آموزان بازداشت‌شده در استان کهگیلویه و بویر احمد در اعتراضات اخیر

است.

برخورد قهری با کودکان و نوجوانان، جامعه‌ای امن نمی‌سازد؛ بلکه بی‌اعتمادی و آسیب‌های عمیق و ماندگار بر جای می‌گذارد. ما مسئولیت پیامدهای این روند را متوجه تصمیم‌گیران و مجریان آن می‌دانیم و بر ضرورت پایبندی عملی دولت به تعهدات حقوق بشری، به‌ویژه حق حیات و بقا و رشد کودکان، تأکید می‌کنیم.

۱. شبکه کمک ۲. انجمن احبا (حمایت از بیماران اسکیزوفرنیا)- ۳. انجمن پرند درخت کوچک - ۴. انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا- ۵. انجمن پژواک امید کودکان (پاک)- ۶. انجمن حمایت از حقوق کودکان - ۷. انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توانیاب - ۸. انجمن حمایت از کودکان کار- ۹. انجمن حمایت و یاری آسیب‌دیدگان اجتماعی (احیا ارزش‌ها)- ۱۰. انجمن درخت کوچک زندگی- ۱۱. انجمن دوستداران کودک پویش- ۱۲. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان- ۱۳. انجمن یاران دانش و مهر- ۱۴. انتشارات منشور صلح- ۱۵. بنیاد توسعه صلح و مهربانی- ۱۶. جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان- ۱۷. شورای کتاب کودک- ۱۸. قشم جزیره‌ای برای کودکان- ۱۹. کانون صنفی معلمان ایران (تهران)- ۲۰. گروه تلاشگران یاری همدل- ۲۱. گروه فرهنگی، اجتماعی کیانا- ۲۲. مادران صلح ایران- ۲۳. مرکز توانمندسازی مهر راستین- ۲۴. موسسه ارتقای کیفیت زندگی زنان آتنا- ۲۵. موسسه انسان دشواری وظیفه- ۲۶. موسسه توسعه اردیبهشت- ۲۷. موسسه جادوی رنگین کمان- ۲۸. موسسه رحمان (رشد، حمایت، اندیشه)- ۲۹. موسسه شکوفایی استعدادها برای کودکان مهر- ۳۰. موسسه توانمندسازی مهر و ماه- ۳۱. موسسه توانمندسازی ندای ماندگار دروازه‌غار- ۳۲. موسسه کشگران اجتماعی فرزانه- ۳۳. موسسه نوید زندگی کوشا- ۳۴. موسسه یاریگران کودکان کار پویا- ۳۵. بنیاد خیریه طباطبایی برای کودکان- ۳۶. بنیاد نوای مهرتاک- ۳۷. انجمن دوستداران کودک کرمان (برگرفته از مدیای اجتماعی)

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران:

روز جهانی مبارزه با کار کودک، وضعیت جهانی و ایران، و جایگاه آن در کنوانسیون حقوق کودک

مقدمه

کار کودک یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بشری و اجتماعی جهان است که با فقر، نابرابری، محرومیت از آموزش و بهره‌کشی اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. میلیون‌ها کودک در جهان به جای تحصیل، بازی و رشد در محیطی امن، مجبور به انجام کارهایی می‌شوند که سلامت، امنیت و آینده آنها را تهدید می‌کند.

روز جهانی مبارزه با کار کودک چه روزی است؟ روز جهانی مبارزه با کار کودک هر سال در ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) برگزار می‌شود. این روز توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سال ۲۰۰۲ نام‌گذاری شد تا توجه جهانیان را به وضعیت کودکان کار و ضرورت حمایت از حقوق آنان جلب کند. هدف این روز، افزایش آگاهی عمومی، تقویت قوانین حمایتی و تشویق کشورها برای مقابله با کار کودک است.

تاریخچه

تاریخچه مبارزه با کار کودک: کار کودکان سابقه‌ای طولانی دارد. در دوران انقلاب صنعتی، بسیاری از کودکان در کارخانه‌ها، معادن و کارگاه‌ها با دستمزد پایین، ساعات کاری طولانی و شرایط خطرناک کار می‌کردند.

با افزایش توجه جهانی به حقوق کودکان، سازمان‌های بین‌المللی اقدام به تدوین قوانین حمایتی کردند. از مهم‌ترین اقدامات:

کنوانسیون حداقل سن کار (شماره ۱۳۸) سازمان جهانی کار، کنوانسیون حذف بدترین اشکال کار کودک (شماره ۱۸۲) سازمان جهانی کار، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) بودند.

چرا روز جهانی مبارزه با کار کودک نام‌گذاری شد؟ این روز برای یادآوری چند اصل اساسی ایجاد شد: هر کودک حق آموزش و رشد دارد. کودکان نباید قربانی فقر و مشکلات اقتصادی شوند. کارهای خطرناک و استثمار باید متوقف شوند. دولت‌ها و جامعه مسئول حفاظت از کودکان هستند.

وضعیت کار کودک در جهان: بر اساس داده‌های سازمان جهانی کار و یونسف: حدود ۱۳۸ میلیون کودک در جهان درگیر کار کودک هستند. حدود ۵۴ میلیون کودک

در شرایط خطرناک کار می‌کنند. این کودکان در محیط‌هایی مانند: مزارع، کارخانه‌ها، معادن، کارگاه‌ها، بازارها، خانه‌ها فعالیت می‌کنند.

کودکان در کارهای خطرناک: از میان کودکان شاغل در کارهای خطرناک: بیش از ۱۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۱ ساله هستند. حدود ۱۲/۸ میلیون کودک ۱۲ تا ۱۴ ساله هستند. حدود ۳۰/۸ میلیون کودک ۱۵ تا ۱۷ ساله هستند. این کودکان با خطرهایی مانند مواد شیمیایی، ابزارهای خطرناک، ساعات طولانی کار، حمل بار سنگین و آسیب‌های جسمی و روانی روبه‌رو هستند.

بخش‌های اصلی کار کودک در جهان: بیشترین میزان کار کودک در بخش کشاورزی است: کشاورزی: حدود ۶۱ درصد (حدود ۸۴ میلیون کودک) خدمات: حدود ۲۷ درصد (صنعت: حدود ۱۳ درصد)

کودکان در مشاغل مانند کشاورزی، دامداری، کار خانگی، فروشنده، معدن، ساختمان‌سازی و تولید صنعتی کار می‌کنند.

مناطق درگیرتر جهان: بیشترین میزان کار کودک در آفریقای جنوب صحرا دیده می‌شود؛ جایی که حدود ۸۷ میلیون کودک درگیر این مسئله هستند.

عوامل مهم: فقر شدید، جنگ و ناامنی، مهاجرت اجباری، بحران اقتصادی، تغییرات اقلیمی، ضعف حمایت‌های اجتماعی هستند.

وضعیت کار کودک در ایران: در ایران نیز کار کودک یکی از مسائل اجتماعی مهم است. آمار دقیق به دلیل فعالیت بسیاری از کودکان در بخش‌های غیررسمی دشوار است، اما کودکان در برخی حوزه‌ها مانند: دستفروشی خیابانی، زباله‌گردی، فروش کالاهای کوچک، کار در کارگاه‌های کوچک، کشاورزی، خدمات و مشاغل سخت دیده می‌شوند.

دلایل کار کودک در ایران: مهم‌ترین عوامل: فقر خانواده‌ها، کاهش درآمد و مشکلات اقتصادی، بیکاری یا اشتغال ناپایدار والدین، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، بازماندن از تحصیل، نیاز خانواده به درآمد کودک، گسترش اقتصاد غیررسمی است.

سخنرانی شیوا عاملی‌راد در اجلاس جهانی کار؛ دفاع از معلمان زندانی و حقوق تشکلیابی در ایران



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از مطالبات برحق معلمان و فعالان صنفی، بار دیگر بر حق تشکلیابی مستقل، آزادی بیان، حق اعتراض مسالمت‌آمیز و آزادی فوری و بی‌قیدوشرط تمامی معلمان و فعالان صنفی زندانی تأکید می‌کند. این شورا همچنین تداوم بازداشت، صدور احکام سنگین و اعمال فشار بر فعالان صنفی را مغایر با تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول و مواظله‌نامه‌های بنیادین سازمان جهانی کار، دانسته و خواستار پایان دادن به روند سرکوب تشکلهای مستقل و فعالان صنفی است. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

شیوا عاملی‌راد، نماینده تشکلهای صنفی معلمان ایران، در جریان سخنرانی خود در اجلاس جهانی کار، با اشاره به وضعیت معلمان زندانی و فعالان صنفی تحت فشار، خواستار توجه جامعه جهانی به نقض حقوق بنیادین تشکلیابی، آزادی بیان و فعالیت‌های صنفی در ایران شد.

وی همچنین در جلسه‌ی اصلی اجلاس، در دیدار با دبیرکل سازمان جهانی کار و نیز جلسات مختلفی که در حاشیه اجلاس سازمان جهانی کار (ILO) برگزار شد، با در دست داشتن تصاویر شماری از معلمان و فعالان صنفی زندانی، بر وضعیت بازداشت غیرقانونی این فعالین صنفی، نیز ضرورت آزادی فوری و بی‌قیدوشرط آنان تأکید کرد و خواستار حمایت نهادهای بین‌المللی از حقوق معلمان و تشکلهای مستقل شد.

شیوا عاملی‌راد در سخنان خود با اشاره به رضا امانی‌فر، هاشم خواستار، جواد لعل‌محمدی، مسعود فرهیخته، محمدعلی زحمتکش، سیامک صادقی چهرآزی، علیرضا شایگان، ابوالفضل خوران، امان جلالی‌فر، و نیز علیرضا مرداسی، معلم زندانی محکوم به اعدام، و دیگر معلمان در زندان، به تشریح شرایط دشوار این فعالان صنفی و سیاسی در زندان پرداخت و خواستار آزادی آنان شد.

۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودک روز جدال بردگان کوچک در برابر برده‌داری نو

راستین خود روز یادآوری یک مقاله‌نامه نیست؛ روز یادآوری یک مطالبه‌ی جهانی است: کار و بهره‌کشی از کودکان بس است.

شعار امسال این روز - «کارت قرمز به کار کودک: بازی منصفانه برای کودکان، کار شایسته برای بزرگسالان» - دو وجه دارد. آن‌جا که از «کار شایسته برای بزرگسالان» سخن می‌گوید، انگشت بر یکی از ریشه‌های واقعی می‌نهد: کار کودک محصول فقری مبهم و عمومی نیست، نتیجه‌ی مستقیم آن است که دستمزد اکثریت نیروی کار بزرگسال چند برابر زیر خط فقر واقعی نگه داشته می‌شود، آن‌جا که نرخ استثمار بسیار بالاست و مزد از هیچ استاندارد معقولی پیروی نمی‌کند؛ و در چنین وضعی کودک برای بقای خانواده به بازار کار رانده می‌شود. اما این تنها زمانی معنا دارد که به تعهدی الزام‌آور بدل شود، نه پوشش‌نامه‌ای برای استمرار همین نظم. و اما «کارت قرمز» را باید به درست‌ترین طرف گرفت: نه به سوی کودک کار که خود قربانی است، بلکه به سوی همان دولت‌ها و نظام اقتصادی‌ای که خود عامل اصلی فقر، تخریب آموزش و کار کودک‌اند. کارت قرمز واقعی، به استثمار است و به مناسباتی که کودکی و حق کودکی را به تاراج می‌برد.

در ایران نیز کار کودک را نمی‌توان از ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم جدا فهمید. جمهوری اسلامی با سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی خود نه تنها از کودکان حمایت نکرده، که خود عامل بازتولید چرخه‌ی فقر، محرومیت و استثمار کودکان است؛ نظامی که با تخریب آموزش، پولی‌سازی بهداشت، تبعیض ساختاری، سیاست‌های جنگ طلبانه و خشونت ساختاری، هزینه بحران‌ها را بر دوش فروستان جامعه گذاشته و به گسترش کار کودک دامن زده است.

امروز کودکان بسیاری در خیابان‌ها، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع، مرزها و ده‌ها شکل دیگر مورد بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرند. این کودکان قربانی انتخاب شخصی خود یا خانواده‌هایشان نیستند؛ قربانی ساختاری هستند که منافع و بقای خود را بر حقوق و منافع عالی‌ه کودکان مقدم دانسته است. این ساختار تنها کودکان را به بازار کار نمی‌راند؛ آنان را به ابزار ایدئولوژیک و نظامی خود نیز بدل می‌کند از مدرسه تا بسیج دانش‌آموزی و برنامه‌های نظامی و شبه‌نظامی، کودکان و نوجوانان در معرض آموزش‌های ضد کودک، خشونت آمیز، تبلیغات جنگی و اطاعت ایدئولوژیک قرار می‌گیرند. در سایه جنگ، ناامنی، ویرانی معیشت خانواده‌ها و گسترش فقر، کودکان بیشتری به بازار کار رانده می‌شوند. کودکان نباید هزینه جنگ‌ها، بحران‌ها و سیاست‌هایی را بپردازند که در شکل‌گیری آن هیچ نقشی نداشته‌اند.

حتی در طول جنگ نیز کودکان کار در دو شکل متناقض از دو سو آماج‌اند: نخست از سوی همان ساختار فقر و استثمار که پیش از جنگ معیشت خانواده‌هایشان را به تاراج برده و آنان را به بازار کار رانده است و اکنون نیز، در زیر بمباران و موشک، همچنان مشغول به کارند؛ و دوم از سوی جنگی که برای گروهی از آنان همان معیشت نیم‌بند را نیز ویران می‌کند. حضور کودک کار در دل جنگ، در هر دو شکل این تناقض دردناک، خود گواه آشکار بی‌صدایی و بی‌دفاعی اوست.

همان‌گونه که فقر از سیاست جدا نیست، کار کودک نیز از سرکوب، تبعیض و خشونت جدا نیست. در میان کودکانی که در خیزش دی‌ماه کشته شدند، کودکان کار نیز حضور داشتند. در میان کودکانی که بازداشت شدند و برخی از آنان همچنان با پیامدهای قضایی و امنیتی مواجه‌اند، کودکان کار نیز حضور داشتند. این واقعیت

۱۱ ژوئن، برابر با ۲۱ خرداد، روز جهانی بازی است؛ بازی‌ای که در ماده‌ی ۳۱ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک یکی از حقوق بنیادین هر کودک شناخته شده است. تنها یک روز بعد، ۱۲ ژوئن، ۲۲ خرداد، روز جهانی مبارزه با کار کودک است. فاصله‌ی این یک روز، فاصله‌ی میان حقی است که بر کاغذ به رسمیت شناخته شده و جهانی که همان حق را از میلیون‌ها کودک دریغ می‌کند؛ کودکانی که نه در زمین بازی، که پشت دار قالی، در کارگاه و خیابان و مزرعه، کودکی‌شان را در سکوت از دست می‌دهند.

در آستانه‌ی این روز، یاد همه‌ی کودکانی را گرامی می‌داریم که در میدان کار و مبارزه جان باخته‌اند: از اقبال مسیح که در دوازده‌سالگی در راه مبارزه با بردگی کودکان به دست جنایت‌کاران سرمایه کشته شد، تا جواد کاظمی سیزده‌ساله، ابوالفضل وحیدی چهارده‌ساله و هزاران کودک دیگر در ایران که حتی نام‌شان جایی ثبت نشد. در میان کودکانی که در خیزش‌های اخیر کشته یا بازداشت شدند، کودکان کار نیز حضور داشتند؛ همان کودکانی که قربانی فقر و کارند، قربانی سرکوب و بی‌عدالتی نیز هستند.

۱۲ ژوئن را نباید به نام‌گذاری سازمان جهانی کار یا مقاله‌نامه‌های بین‌المللی فروکاست. پیش از آنکه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به مسئله‌ی کار کودک بپردازند، این مبارزات اجتماعی بود که کار کودک را به مسئله‌ای جهانی تبدیل کرد. در سده‌ی نوزدهم، با گسترش انقلاب صنعتی، کار کودکان به یکی از پایه‌های نیروی کار ارزان در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بریتانیا بدل شد؛ کودکان فقیر، به‌ویژه در صنعت نساجی، ساعت‌های طولانی و در شرایط سخت کار می‌کردند. قوانین اولیه، از جمله قانون ۱۸۰۲، کار کودک را لغو نکردند، اما نشان دادند که فشار اجتماعی می‌تواند دولت را ناچار به واکنش کند. یک قرن بعد، در سال ۱۹۰۳، ماری هریس، معروف به «مادر جونز»، راهپیمایی کودکان کارگر نساجی را سازماندهی کرد؛ حرکتی که مسئله کار کودک را به مطالبه‌ی حق آموزش، بازی و زندگی کودکان پیوند زد. و باز نزدیک به یک قرن بعد، در سال ۱۹۹۸، گلوبال مارچ یا راهپیمایی جهانی علیه کار کودک، با حضور هزاران فعال و کودک کار از کشورهای مختلف جهان شکل گرفت. گلوبال مارچ نشان داد که کار کودک؛ با فقر، آموزش، نابرابری، مهاجرت، تبعیض، جنگ و آزادی‌های اجتماعی گره خورده است. اهمیت این حرکت تنها در گستردگی آن نبود، بلکه در این بود که کودکان کار و مدافعان آنان توانستند مسئله کار کودک را به مطالبه‌ای جهانی تبدیل کنند و آن را به جنبش‌های کارگری، معلمان، فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان، مدافعان آزادی‌های سیاسی و سایر جنبش‌های اجتماعی جهان پیوند بزنند. از همان آغاز روشن بود که پیشروی در برابر کار کودک حاصل لطف دولت‌ها نیست؛ ثمره‌ی مبارزه، سازماندهی و فشار جنبش‌هاست. پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک نیز فرزند همین کشمکش‌هاست؛ سندی که نه از سر بزرگوار، بلکه به مبارزه‌ی پیگیر پیشروان حق کودکی بر دولت‌ها تحمیل شد.

کودکان کار در ژنو خواستی صریح داشتند: «پایان دادن به همه‌ی اشکال کار و استثمار کودکان». اما پاسخ سازمان جهانی کار به آن خواست روشن، مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲ بود؛ یعنی تقلیل «ممنوعیت کار کودک» به «منع صرف» بدترین اشکال «آن. این، عقب‌نشینی از خواست جنبش و از خود پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک است. هیچ کودکی کار را به سخت و آسان تقسیم نمی‌کند و هیچ کودکی کار را بخشی طبیعی از کودکی خود نمی‌داند. کار، صرف‌نظر از شکل آن، حق آموزش، بازی، سلامت و رشد را از کودک می‌گیرد؛ حق کودکی را از او می‌گیرد. از همین‌رو ۱۲ ژوئن در معنای

ادامه فشارهای امنیتی بر روی معلمان و دستگیریه‌ها و احضارها

محروم مانده است. بنا بر گزارشات برای این معترض زندانی نوبت عمل چشم در تاریخ ۲۷ خردادماه تعیین شده بود، اما تاکنون مجوز اعزام درمانی وی صادر نشده است. علی احمدی ۷۶ سال سن دارد و از اسفند ماه گذشته در زندان است.

- قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی، از معلمان معترض در استان خوزستان، برای سومین ماه متوالی تمدید شده است. سیامک چهارزی بیش از دو ماه است که در زندان بسر میبرد.

- محمدعلی زحمتکش، از معلمان زندانی استان فارس، از فروردین سال جاری در بازداشت "موقت" به سر می‌برد و همچنان در وضعیت بلا تکلیف قرار دارد. ادامه بازداشت محمد علی زحمتکش موجب نگرانی خانواده و همکاران او شده است.

- طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان یوسف امینی، معلم بازنشسته اهل بوکان، شامگاه ۲۳ خرداد با یورش نیروهای وزارت اطلاعات به منزل خانوادگی‌اش در محله علی‌آباد این شهر بازداشت شد.

- علی مرداسی یکی از معلمان زندانی در زندان شیپان اهواز است که حکم اعدام او از سوی دیوان عالی کشور به همراه دو زندانی دیگر به اسامی مسعود جامعی، فرشاد اعتمادی‌فر، سه زندانی سیاسی محبوس در زندان شیپان اهواز تأیید شده است. مرداسی سال‌ها در عرصه آموزش فعالیت داشته، پیش‌تر همراه با دو متهم دیگر در شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز به ریاست قاضی ادیبی‌مهر، از بابت اتهامات «افساد فی‌الارض»، «عضویت در گروه‌های باغی (و) «تبلیغ علیه نظام» (به دو بار اعدام و یک سال حبس محکوم شده بود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش این خبر با محکوم نمودن فضای ارباب، سرکوب و اعدام به ویژه پس از جنگ، خواهان توقف صدور و اجرای احکام اعدام شده و از تمام مخالفان اعدام خواستار تلاش برای لغو حکم اعدام این معلم زندانی شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همصدا با شوراهای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بر اعتراضی سراسری برای لغو حکم اعدام علی مرداسی و توقف اعدام و لغو مجازات اعدام و پایان دادن به سرکوبگریهای حکومت و ادامه این بساط کشتار و جنایت تأکید دارد. احکام صادره برای معلمان معترض باید فوراً لغو و تمامی معلمان و معترضین زندانی و همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۵ خرداد ۱۴۰۵، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۶ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

جمهوری اسلامی در ادامه سرکوب سراسری اعتراضات، به دستگیری‌ها و احکام امنیتی علیه معلمان معترض شدت داده است. هم اکنون شمار زیادی از معلمان، زندانی یا محکوم به زندان هستند. اسامی شماری از آنها بدین قرار است:

- ایمان شهوندی معلم شعبه یک پاسارگاد در استان فارس در ۲۹ اردیبهشت بصورت غیابی به یکسال حبس محکوم شد. بنا بر گزارشات در ۸ فروردین شعبه ی یک دادیاری شهرستان پاسارگاد با گزارش ناحیه ی مقاومت بسیج با اتهام تبلیغ علیه نظام برای وی پرونده ای امنیتی تشکیل داد. سپس در ۱۶ فروردین و علیرغم دفاعیه نامبرده پرونده ی وی به شعبه ی یک دادگاه انقلاب شیراز ارجاع و در ۲۹ اردیبهشت ماه به شکل غیابی به یکسال حبس محکوم و این حکم در سامانه ثنا اعلام شد. ایمان شهوندی قبلاً نیز در سال ۱۴۰۰ به جرم تبلیغ علیه نظام محکوم به کیفر مالی و در سال ۱۴۰۲ به یکسال انفصال از خدمت محکوم شده بود. او هم اکنون با قرار کفالت آزاد است و در خطر بازداشت برای اجرای حکم زندان خود قرار دارد.

- مهدی فتحی از اعضای انجمن صنفی معلمان فارس پس از تحمل ۲ سال حبس از محکومیت ۵ ساله پیشین خود، هم اکنون با پابند الکترونیک در حبس خانگی به سر می‌برد. مهدی فتحی قبل از جنگ با تشکیل پرونده جدید با اتهام تبلیغ علیه نظام احضار و پس از تهمین اتهام با قرار کفالت آزاد شد. و پس از چندین ماه در پرونده جدیدی به ۱۵ ماه حبس محکوم شد.

- بر اساس گزارش‌های منتشر شده، مسعود فرهیخته، از معلمین معترض که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ از پی تأیید حکم صادره از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان البرز، دوران محکومیت سه سال و شش ماه و یک روز حبس خود را در زندان مرکزی کرج سپری می‌کند، با پرونده‌سازی جدیدی مواجه شده است. مسعود فرهیخته هم‌زمان با تحمل دوران حبس، با گشایش دو پرونده جدید از سوی نهادهای قضایی روبه‌رو شده است و مقرر است روز هفتم تیرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار بگیرد.

- فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی شاغل در مدارس آغاچاری، با حکم «لغو پیمان» از آموزش و پرورش اخراج شده است. او پیش‌تر به ۴ ماه انفصال موقت از خدمت محکوم شده بود.

- طبق اخبار منتشر شده علی احمدی، از معلمان بازنشسته و زندانی محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز، با وجود ابتلا به بیماری‌های متعدد از جمله مشکلات قلبی و نیاز فوری به عمل جراحی چشم، همچنان از دسترسی به خدمات درمانی تخصصی

۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه ...

از صفحه ۱۴

۱۲ ژوئن در معنای واقعی خود فراخوانی برای همین مبارزه است؛ مبارزه‌ای جهانی، انسانی و همبسته برای پایان دادن به کار و بهره‌کشی از کودکان. رهایی کودکان جز با ریشه‌کن کردن فقر، استثمار و تبعیض ممکن نیست، و این تنها با سراسری و گسترده‌تر کردن مبارزه و اتحاد با دیگر جنبش‌های مطالباتی و برابری طلب به دست می‌آید. ۱۲ ژوئن روز همکاری و اتحاد بیشتر و متمرکزتر بر سر همین خواست کودکان است. دنیای شایسته‌ی کودکان، بی‌شک شایسته‌ی همه‌ی انسان‌هاست؛ و مبارزه برای رهایی کودکان از فقر، استثمار و تبعیض، در بنیاد خود همان مبارزه برای آزادی و عدالت برای همه‌ی انسان‌هاست.

ما به جای آینده‌ای نامعلوم، «اکنون» را فریاد می‌زنیم؛ همان که کودکان کار در ژنو فریاد زدند: «ما همان قدر آینده‌ایم که اکنونیم.»

کار و بهره‌کشی از کودکان بس است. لغو کار کودک، همین امروز.

مدافعان حق کودک - ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ (۲۲ خرداد ۱۴۰۵)

برگرفته از مدیای اجتماعی

نشان می‌دهد که استثمار اقتصادی و سرکوب سیاسی دو وجه یک ساختار واحد هستند. همان کودکانی که قربانی فقر و کار کودک‌اند، قربانی سرکوب، بازداشت، جنگ و بی‌عدالتی نیز هستند.

به همین دلیل، مبارزه با کار کودک باید به مطالبه همه جنبش‌های برابری طلب، کارگری و آزادی‌خواه و همه کسانی تبدیل شود که برای آزادی، برابری و کرامت انسانی مبارزه می‌کنند. دفاع از حق کودک بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای عدالت و آزادی است.

تا زمانی که کودکی به جای مدرسه در خیابان کار می‌کند، تا زمانی که کودکی در مرزها کولبری و سوخت‌بری می‌کند، تا زمانی که کودکی به دلیل فقر از آموزش محروم می‌شود، و تا زمانی که کودکی به دلیل اعتراض بازداشت یا کشته می‌شود، مبارزه برای حق کودکی ادامه دارد. ما، فعالان حقوق کودک، در مسیر توقف این چرخه استثمار تا همیشه تلاش خواهیم کرد.

کنفرانس آنلاین
به مناسبت
روز جهانی
مبارزه با کار کودک

۱۲ ژوئن ۲۰۲۴ | ۲۲ خرداد ۱۴۰۵

اسامیل صیدی	زهرا عبداللهی	سیامک بهاری	بهوش صباح	ایده سگری	آزاده نصیری
حامد فرمند	پریسا پوینده	فریبا برهان زهی	سید علیرضا	شهاب دانشفر	بهادر مجیدی
مهرداد سلویش	پرویز نامی	ژیلا ابراهیمی	کیانا کتیری	پاک خطی	هژار علیدور
تسیرین اجسینی					

محل برگزاری: آنلاین، از طریق زوم
زمان: ساعت ۱۹:۰۰ اروپای مرکزی

برگزارکنندگان:
شبكة جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
کودکان مقدّمند
کودکان مقدّمند

لینک ورود به زوم
به روی اعلام خواهد شد

سخنرانی شهلا دانشفر در کنفرانس آنلاین به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودک

سلام به حاضرین در این نشست و همه عزیزانی که این برنامه را آنلاین دنبال می‌کنند... موضوع پنل ما «ساختار، اقتصاد و مصادیق کار کودک» است. وقتی از اقتصاد صحبت می‌کنیم، منظور اقتصاد بیرحم سرمایه داری هست. کار کودک ریشه در ساختار این نظام دارد. سیستمی که اساسش بر مستمند سازی هر روزه جامعه و سود انداندوزی بنا شده و به دلیل فقر، نابرابری و نبود تأمین‌های اجتماعی کودکان به بازار کار رانده میشوند.

بر اساس آمار سال ۲۰۲۴ سازمان جهانی کار و یونسف، حدود ۱۳۸ میلیون کودک ۵ تا ۱۷ ساله در جهان مشغول به کار هستند. در ایران نیز اگرچه آمار دقیقی وجود ندارد، آمار رسمی از بیش از ۷۰۰ هزار کودک کار و نزدیک به یک میلیون کودک بازمانده از تحصیل سخن می‌گوید، در حالی که فعالان حقوق کودک تعداد آنها را چندین میلیون نفر برآورد می‌کنند. کودکان کار شامل کودکان خیابانی و دستفروش، شاغلان کارگاه‌ها و مشاغل خانگی، کودکان کشاورز، زباله‌گردا و دیگر مشاغل غیررسمی هستند.

در ایران یکی از خشن‌ترین اشکال سرمایه‌داری حاکم است؛ جایی که کار کودک رسمیت یافته و حتی کودکان با لباس شهرداری به زباله‌گردی مشغول‌اند.

اقتصاد ایران اساسش بر رانت خواری و قاچاق و چپاول و در چنگ باندهای مافیایی است و با ویژگی‌های سیاسی-ایدئولوژی حاکمیت بحران‌ش هر روز عمیق تر شده و با ابزار مذهب و سرکوب زندگی کارگران و کل جامعه را به نابودی کشانده است. جنگ افروزی‌های حکومت و وقوع جنگ وضع اقتصاد را وخیم تر و فلج کرده است. گرانی‌ها، بیکاری میلیونی و سونامی بیکارسازیها، نپرداختن دستمزدها فقر و گرسنگی مردم را بیشتر کرده و حکومت نیز با تعرضات معیشتی اش میکوشد هزینه‌های جنگ و غنی سازی و موشک بالستیک و نیروهای نیابتی و سرکوب را از سفره مردم تأمین کند. کودکان نخستین گروهی هستند که در چنین سیستمی آسیب می‌بینند و شاهد افزایش هر روزه شمار کودکان کار و خارج از چرخه تحصیل هستیم.

بنابراین مبارزه با کار کودک بخش مهمی از مبارزات کارگران و کل جامعه است. زندگی کودک کار با ناامنی، خشونت، آزار جسمی و روانی، بهره‌کشی، قاچاق و حتی زندان و اعدام گره خورده است. و همین امروز شاهد بکارگیری کودکان در برخی ساختارهای نظامی و امنیتی مثل ایستگاههای بازرسی هستیم.

خیزش‌های مردمی سال‌های اخیر، از جمله اعتراضات دی‌ماه ۹۶ تا امروز، واکنشی به فقر، بی‌تأمینی و بی‌عدالتی بوده است. جنبش کارگری ستون اصلی مبارزه علیه فقر، تبعیض، نابرابری و استثمار است و در نبرد جامعه برای تحقق آرمان‌های زن، زندگی، آزادی جایگاه مهمی داشته و دارد. کودکان و دانش‌آموزان نیز به بخشی از نیروی اعتراضات اجتماعی تبدیل شده‌اند. فرزند کارگرانیم کنارتان می‌مانیم. شعار خیابانی بود. ۲۳۷ کودک در دیماه کشته شدند. هم اکنون کودکان در زندانند. حتی کودک یازده ساله و کودکان حکم اعدام میگیرند.

هرچه حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در جامعه نهادینه‌تر شود، کودکان نیز از امنیت و حمایت بیشتری برخوردار خواهند شد.

سازمان جهانی کار شعار روز جهانی مبارزه با کار کودک در سال ۲۰۲۴ را «کارت قرمز به کار کودک» است. اما در کنوانسیون ۱۳۸ همین سازمان ورود به کار کمتر از ۱۵ سال و پایین‌تر از سن پایان آموزش اجباری در آن کشور را منع کرده است. اما بنا بر تبصره‌هایی راه را برای کار کودکان در سنین پایین‌تر باز می‌گذارد. مثلاً در کشورهای دارای سطح توسعه اقتصادی و آموزشی حداقل سن را با قید موقتا ۱۴ سال تعیین کنند. کار سبک برای کودکان سیزده تا ۱۵ ساله را مجاز می‌شمارد. به شرطی که به سلامت، رشد یا تحصیل آن‌ها آسیب نزنند. اما چگونه؟؟!!! در کشورهایی هم حداقل سن ۱۴ سال تعیین شده و این بازه می‌تواند ۱۲ تا ۱۴ سال هم باشد. در کارهای خطرناک که ممکن است به سلامت، ایمنی یا اخلاق نوجوانان آسیب برساند و حداقل سن ۱۸ سال است در برخی شرایط خاص و با آموزش و حفاظت کافی، از ۱۶ سالگی مجاز شمرده شده. این تبصره‌ها -این استثناها و مماشات‌ها زمینه نادیده گرفتن ابتدایی‌ترین حقوق کودکان را فراهم می‌کنند، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که عضو این نهادها هستند.

آخر کلام اینکه مبارزه با کار کودک تنها صرف محکوم کردن این پدیده کثیف نیست؛ بلکه مستلزم مبارزه با فقر، نابرابری، محرومیت از آموزش و همه ساختارهایی است که کودکان را از حق یک زندگی امن و انسانی محروم می‌کنند. کار کودک پرونده جنایی حکومت اسلامی است و این موضوع کیفرخواست ما علیه سرمایه داری و حکومت کودک کش جمهوری اسلامی است. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کار کودکان ممنوع!